

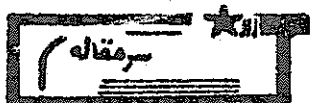
کتابخانه ایرانی  
 9861  
 Iranische Bibliothek in Hannover

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - شاخه نردستان

صفحه ۴۴

تیر ماه ۱۳۶۲

دوره جدید شماره ۸



**پیر و زیاده‌متبارزه لهرمانانه خلق کرد**

تاریخ نه‌های اخیر سرشار از مبارزه  
 حماسه‌آفرین خلق و ملت‌های تحت  
 ستی است که برای برانداختن بیوغ  
 امارت ملی‌ها خاسته‌اند. قیام  
 ترین قدرتی‌های مهربان لیستی را که  
 بنیاد دوحستی آنها بر استعمار و کارگر  
 و زحمتکشان و انقلابی‌دوستم بر ملت‌ها  
 استوار گشته‌است بیزانود را آورده‌اند  
 این پیروزی‌های مداوم ملت‌ها تحت  
 متم در عصری که انقلابات کارگری  
 سوسیالیستی آغاز گشته‌است در صفحه ۴

**کومله بولدیت**

**بدفاع از خود برخاسته است**

در شماره پیشرو ارکان مرکزی  
 کومله مقاله‌ای درج شده است تحت  
 عنوانی کومله خون‌ریز یا حفظی  
 شومست در پاسخ به مقاله کومله  
 - لد یک جریان خون‌ریز در -  
 جنسین کارگری ایران در صفحه ۵



**در این شماره**

- ① اولین انگردشهادت رفقا، انورا عظمی، جواد کاشی‌کرامی‌باد.
- ② اخبار اعتراضات کارگران و زحمتکشان.
- ③ بیاضد پرسنل انقلابی ارتش.

هدموو میلاد تیک عافی دیاری کردن فی چارده نویسی خوبی هدید



## سرمقاله

سوسیالیستی آغاز گشته است. بیانگران واقعیت است که دوران اسارت ملتها، دوران ستگری ملی بها پان رسید ما است و هیچ نیروئی قادر نیست حتی با زور و سرکوب برای مدتی طولانی يك ملت را در اسارت خویش نگهدارد و مستگري خود ادامه دهد. اما براستی مرتجعین — شاگردان کودن و کند ذهن تاریخ اند، از تاریخ نمی آموزند، هر بار آزمون را از نو می آزمونند و با خشک مغزی تمام در برابر احکام امرانه تاریخ و حرکت پالنده آن می ایستند. از اینرو جز شکست مداوم و محتمل سببرنوشت دیگری در پیش ندارند. ملت تحت ستم کرد نیز همچون ملت های تحت ستم دیگر سالهاست طبعاً مستگري ملی بها خاسته و مبارزه درخشانی را در این زمینه پشت سر گذارد ما است. اينك پیش از چهار سال مداوم است که این خلق تحت ستم در کردستان ایران با از خود گذشتگی، ایستادگی، قهرمانی و حماسه آفرینی به مبارزه مسلحانه خود علیه رژیم تبهکار حبیبهوی اسلامی ادامه میدهند و — هر زمان رژیم ارتجاعی را بخاک مالیده است. واقعیتی است تردید ناپذیر که

کسی دهها هزار مزدور ارتشی، سپاهی و اندام و صیچی به کردستان، گلوه — باران مداوم و مستمر و ستها، کشتار — دستجمعی روستائیان بیدفاع، محاصره اقتصادی، سرکوب مردم شهرهای — کردستان، اعدامهای دستجمعی و دهها اقدام جنایتکارانه دیگر رژیم هیچ يك نتوانست که در فرزندواراد ما ستوار — این خلق مبارز خلی ایجاد کند. بلکه بالعکس اراد ما این خلق تحت ستم را به مبارزه مسلحانه تر نمود ما است. هرگاه تفنگی از دست يك پیشمرگ قهرمان بر زمین افتاده است و دهها دست برای برداشتن آن دراز شده است. پیشمرگان کردستان يك لحظه آرامش را از مزدوران رژیم سلب نمود ما است. سراسر کردستان بگورستان این مزدوران — تبدیل شد ما است. در هر کجا که رژیم به پیگد ارد خود را در محاصره پیشمرگان — می بیند. دهقانان کرد تمام سختی ها و مشقات این جنگ را با از خود گذشتگی و سرسختی تمام تحمل نمود ما است و با حمت و مادی و معنوی از پیشمرگان و شرکت مسقیم در مبارزه مسلحانه علیه رژیم، نقش مهمی در شکست برنامه های سرکوبگرانه رژیم ایفا نمود ما است. کارگران و زحمتکشان



سر مقاله

شهرهایی که تحت اشغال نظامی رژیم در آمدند و همچنان در اشغال فوناکون مبارزه، اعتصاب، تظاهرات، عملیات مسلحانه و غیره متداوم مبارزه در شهرها تعیین نمودند. «کمیته قطعی تلاشیهای ضد انقلابی رژیم و طلبیهاها به روزی ملت کرد هر روز بیشتر آسار میگردد»

در اینجا نیز خلق کرد یکبار دیگر تمام - ملتها و خلقهای تحت ستم سراسر جهان نشان میدهند که نسبت مرتجعین حتی است و هیچ قدرتی قادر نیست حتی بهر اسلحه ملت د پیری را در انقیاد خود نگاهدارد و مستکبری ملی ادامه دهد.

ایستادگی و مقاومت خلق کرد همچنین تأثیر غیر قابل انکاری بر نا توانی و ورطه گسترده انحصاری و سیاسی رژیم، بر اعتباری آن در میان توده های زحمتکش مردم - ایران و امتلا سراسری مبارزانها بر جای گذاشته است. اکنون مبارزات توده های مردم سراسر ایران کهساز سرلوب خونین روزهای مبارزه - آخردادد مبارز کود و بر حرکتی موقت شده بود، آرا و آرا ما بانوی تخریبی بسیار خطیما انقلابی - نویسی میباشد. تظاهرات اخیر مردم

د زفول، تهران و برخی شهرهای دیگر نخستین جرقه های اعتراضی وسیع سراسری توده های مردم ایران است که با نگرانی و وسعت بحران رژیم جمهوری اسلامی است. این انقلابون جنبشی سراسری توده های مردم ایران نیز سراسر تأثیر قطعی و وسیع و مهمی بر جنبش انقلابی خلق کرد در پیروزی آن برجای خواهد گذاشت. تأثیر متقابل مبارزه خلق کرد بر مبارزات توده های سراسر ایران و مبارزات خلق کرد. چنانکه از نشانی کرب پست جنبش سراسری گسترده و سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را نزدیک میبازد.

هر چه جنبش ملی - دموکراتیک مردم کرد - استان با جنبش اعتراضی سراسر مردم ایران در یک روند واحد انقلابی - دموکراتیک به پیوسته میخورند به روزی ملت کرد در جهت تأثیر آمدن به مخرج تعیین سر نوشت مرفوع ستمی تعیین فطعی وطنی به ستمی میباید. تنها با پیروزی انقلاب دموکراتیک توده های ایران است که خلق کرد میتواند قطعاً بر سر نوشت خویش حاکم گردد. انقلابی که رهبر و پشاهان آن یکا نه طبقه با آخ و کبیر



## سومقاله

و حقیقتاً انقلاب یعنی طبقه کارگر ایران است. تنها طبقه کارگر ایران پارتوشتیان پیگیر و متحد ملت‌های تحت ستار ایران است. طبقه‌ای که با هر گونه استماری ملی دشمنی آشتی ناپذیر دارد. این را تاکنون مگر انقلاب پارتی کمپزهری طبقه کارگر صورت برته است نشان داد و حیثیات رسانده است برای اولین بار با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتسبرد روسیه. علاوه مسلح کرد بد که طبقه کارگر یگانه پارو متحد قابل اعتماد ملت‌های تحت ستار است و طبع هم‌هوسر گونه تبعیض و ستار ملی مبارز میکنند.

با این انقلاب در کشور کثیرالمله، روسیه و سایر ملای بطور واقعی حل کرد بد. ستار ملی برای همیشه از میان رفت و اندیشه های لنین کبیر رهبر افتخار آفرین کارگران سراسر جهان در زمینه حقوق تعیین سرنوشت ملل تا حد جدائی و تشکیل دولت مستقل عملی کرد بد.

سیاست ما نیز در زمینه مسئله ملی تبعیت از رهبر کبیرمان لنین میباشد، ما بمطابقه یک سازمان مارکسیست - لنینیست بمطابقه سازمانی که وظیفه خود را بشکسل و آگاهی طبقه کارگر ایران، ورهبری مبارزه

طبقه‌ای کارگران در اشکال گوناگون آن تا نملی به هدف نهائی و استقرار کمونیسم - نابرابری ملی مبارز کرد و همیکلمه و یاد فاع - نیروی از همنود لنینی بر سمیت شناختن حق ملل در سرنوشت خود تا حد جدائی و تشکیل دولت مستقل با هر گونه ستارینسم ملت ستار مبارز میکنیم.

از اینرو اکنون که مبارزات سراسری توده های مردم ایران اعتلاء نوبنی مییابد و چشم انداز سرنوشتی رژیم ارتجایی جمهور - ی اسلامی نزد یکتر میگردد ما کارگران و زحمتکشان کردستان را در کنار یکبر - برادران و همزنجیران خود در سراسر ایران بهزیر پرچم سرخ رهائی بخش - سازمان چریکهای فدائی خلق ایران فرامیخواهیم و ملت کرد نیز یقین داشته باشد که هیچ متحدی قابل اعتماد تر از طبقه کارگر ایران و نماینده آگامان - یعنی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در سراسر ایران نخواهد داشت خلق کرد در مبارزه برحق و عادلانه اش طبع رژیم جمهوری اسلامی بی تردید - و بروز خواهد شد و این و نیروی نیز چندان دور نخواهد بود.



تصحیح دستور سوسم همین ستار  
... که کنیم در راه ایم طبع هم  
و هرگز نبستگاری و نابرابری...



# گومه‌له به یکنه بیست بدفاع از خود برخواستن است

افکنانه در صفوف طبقه کارگر ایران محسوب میشود. این بود مضمون اصلی مقاله ای که گومه‌له هر آینه میخواست به دفاع از خود برخیزد میبایست بدافع پاسخ گوید. تنها چیزی را که میتوان در مقاله گومه‌له پیدا کرد و تا حدی مستقیماً به مسئله اصلی بحث مربوط است این جمله است که "گومه‌له در کجا و در کجا میگرداند از مصوبات خود خواستار آنچنان سازمان مستقلی شده است که بوندخواهان آن بود". و پاسخ میدهد "تنها دلیل سچفا بر بوندیست بودن ما برضاه گومه‌له برای خود مختاری کردستان است. این برنا مه در کنگره سوم گومه‌له در اردیبهشت سال ۱۳۶۱م که هیچ اقدام تشکیلاتی برای ایجاد حزب کمونیست از طرف هیچ سازمانی انجام نگرفته بود تصویب شده است. بنا بر این تعریف هویت طبقاتی گومه‌له بعنوان مظهریان نماینده کارگران و زحمتکشان کردستان را تحت هیچ عنوان مستمسکی نمیتواند بر این جنبش کمونیستی ایران و امر تشکیل حزب کمونیست و یا در مقابل وحدت سیاسی و سازمانی سراسری پرولتاریا ایران قرار داد... در اینجاست مسئله بر سر مطالبه حقیقی از حزب سراسری طبقه کارگر ایران نبوده بلکه صحبت بر سر ممتا نیز ساختن اهداف و مف پرولتاریای کردستان و نماینده سیاسی

گومه‌له در این مقاله تلاش نموده است تا هرگونه قرابت و خویشاوندی نظری و عملی خود را با بوندیستهای روسیه که یکجریان منحنی سیمونالیست در جنبش کارگری روسیه محسوب می شدند، انکار کند. اما هر آنچه بیشتر تلاش نموده است بوندیست بودن خود را انکار کند، روشنتر مباحثی نظری و عملی یک بوندیست را به نمایش گذاشته است. بویژه اینکه در همین شماره "پیشرو" سخنرانی های عبدالله مهتدی که خود روشنگر دیدگاههای گومه‌له می باشد نیز درج شده است.

گومه‌له طی این مقاله مدام کوشیده است تا طفره رفتن از بحث اصلی و محسوری مورد اختلاف در ذهن خواننده اغتشاش فکری ایجاد کند و برای خود راه فراری جستجو کند. در حالی که بحث اصلی در مقاله "گومه‌له یکجریان بوندیستی در جنبش کارگری ایران" این بود که گومه‌له در همان کنگره ای که با اصطلاح برنا مه حزب کمونیست سهند را می پذیرد، یک برنا مه خود مختاری کردستان نیز از آن سر میدهد و در آنجا خود را "مظهر آگاه و متشکل پرولتاریای جوان کردستان" (بند ۷) و بخش پیش آهنگ پرولتاریا - ریای کردستان (بند ۸) معرفی میکند. بنا بر این گومه‌له با ادعای نمایندگی پرولتاریای کردستان مظهر گرایشات جدایی طلبانه و تفرقه

هر چه بیشتر ده فریاد اتحاد عمل نیروهای حزقی و انقلابی



آن میباشد. هرگاه کسی به کینه نقطه  
 نظرهای کومه له بی خبرده باشد. و  
 ماهیت طبقاتی آن را نخواسته باشد  
 ممکن است چنین استدلال کند که -  
 کومه له در جنبه بالا بنحوی مواضع  
 گذشته خود را پس گرفته است و پس از  
 آنکه به پوپولیت بودن خود پی برده  
 است، دیگر خود را "مظهر آگاه و متفکر  
 پرولتاریای جوان کردستان" و "بخش  
 پیش آهنگ پرولتاریای کردستان"  
 نمیداند و خواهان آنچنان سازمان  
 مستقلی را مطرح کرده بود نیست. اما  
 بلکه هم اکنون پی برده است که "هم  
 طبقه بودن کارگران کرد و کارگران  
 دیگر ملتیتها در ایران یک حزب کمونیست  
 نیست و احزاب ایرانی و رهبریها و زرات  
 آنها ضروری میباشد. نه اینگونه  
 در سطح ایران با عده کردن نظام  
 تباری و قومی کارگران، ترک، کرده  
 فارس، عرب، بلوچ، سیوهی، آرمینی  
 و غیره هر کدام یک حزب جداگانه  
 داشته باشند (همان مثال) اما -  
 چنین تصور خطاست و آنچه که کومه له  
 در پی آنکار آن بر آورده است تماما در  
 تصور و پراکنجی کومه له ریشه عمیق  
 دارد و خود را اینجانبه شرایط مختلف در  
 اشکال مختلف بروز میدهد.  
 کومه له خواهان اکنون نیزه و باره خود را به  
 "مظهر آگاه و متفکر پرولتاریای آهنگ  
 پیش پیش آهنگ آن مرفی میکند.  
 در حالیکه هرگز در دستا نی بطبقه  
 که مظهر آگاه و متفکر پرولتاریا و بخش  
 پیش آهنگ آن، حزب کمونیست است.

اوباطرح این مسئله تماثل خود را به  
 داشتن یک سازمان مستقل بیان  
 میکنند و آگاهانها با آگاهانها میخوانند  
 در نفوس متحد طبقه کارگران طرفه  
 بهانه داره، تکالیف ایجاد کنند و شرایط  
 کاری نماید. از جنبه طبقاتی قضاوت  
 چنین گرایشی مدافع نامحسوس  
 تنگ نظران خرده بورژوازی دهقانی  
 است. کومه له از یکسوی مدعی است  
 که "در اینجا مسئله بر سر طبقه  
 حتی از حزب سراسری طبقه کارگران ایران  
 تجاوز، و از سوی دیگر خواهان شروع  
 ویژه و خاص (۱) از حقوق سیاسی  
 تفکیکاتیها درجه خاص از استقلال  
 است. ما بعدا این مسئله را که -  
 همانا پیوندیت بودن کومه له در همین  
 نکته میباشد است مورد بررسی قرار  
 خواهیم داد. اما اکنون بجهت  
 که کومه له خواهان استقلال را قدم  
 خود را مظهر آگاه و متفکر و بخش پیش  
 آهنگ پرولتاریای کردستان معرفی  
 کند. او ملتها را چنین ذکر میکند  
 که: "کومه له که یک سازمان مرتسبا  
 سطحی بلکه دارای فعالیتها سراسری  
 بوده است، تا اینجا حدت و عدالت سراسری  
 عبارات کارگران و دهقانان کرده  
 ستان را بر میدارد داشته است. تا اینجا  
 در راه ایجاد حزب کمونیست ایران  
 مبارزه کرده و میکند.  
 خوب دقت کنید اما بعدترین نور  
 لال را ببینید (کومه له با این علت -  
 مظهر آگاه و متفکر و بخش پیش آهنگ  
 پرولتاریای کردستان است که "نو، یک

مبارزه شد امپرونیستی از مبارزه برای دگرگونی جدا نیست



سازمان صرفاً مجلسی بلکه دارا و مفصلاً -  
 لیتنیای سراسری بوده است. برای  
 یک لحظه فرض کنیم که چنین باشد.  
 در آن صورت چرا کومه له مظهر آگاه و  
 متفکر و بخش پیشاهنگ پرولتاریای  
 کردستان باشد و نه پرولتاریای ایران؟  
 مگر نه این است که کومه له مدعی است  
 "که یک سازمان صرفاً مجلسی بلکه دارای  
 نمایندهای سراسری است. پس -  
 درست است این میسود که کومه له با تکیه  
 فعالیت سراسری اش شکل سازمان صرفاً  
 مجلسی عمل نمیکرد. مظهر آگاه و متفکر  
 و بخش پیشاهنگ پرولتاریای کردستان  
 - ن معرفی نمی نمود. اما بعد کومه له  
 مدعی است که "عمدتاً و عملاً رهبری -  
 مبارزات کارگران و زحمتکشان کردستان  
 را بر عهده داشته است" اولاً که  
 کومه له هیچگاه عمدتاً و عملاً رهبری -  
 مبارزات کارگران و زحمتکشان کردستان  
 را نداشته است، بلکه عمدتاً و عملاً  
 رهبری مبارزات دهقانان و روستاییان  
 را بر عهده داشته است. ثانیاً پار  
 هم فرض کنیم که همانگونه باشد که  
 کومه له مدعی است. مگر کومه له خودش  
 نمیگوید "هم طبقه بودن کارگران  
 کرد و کارگران دیگر ملیتها در ایران  
 یک حزب کمونیست واحد را برای رهبری  
 مبارزات آنها ضروری میسازد. نه -  
 اینکه با عمده کردن تفاوتهای ملی  
 و نومی کارگران کرد، ترک، فارس  
 ، عرب، بلوچ، یهودی، ارمنی، و  
 غیره هر کدام یک حزب جداگانه داشته  
 باشد" اینکه فرضاً کومه له عمدتاً و  
 عملاً رهبری مبارزات کارگران و زحمت

- کشان کردستان را بر عهده داشته  
 باشد چه ربطی دارد به اینکه کومه له  
 "مظهر آگاه و متفکر و بخش پیشاهنگ  
 آهنگ پرولتاریای کردستان است."  
 و بالاخره خود را به این ملت بخش  
 پیشاهنگ پرولتاریای کردستان  
 معرفی میکند "برو داد ایجاد میسازد  
 کمونیست ایران مبارزه کرده و -  
 میزند و این خود را پیشاهنگ و کومه له  
 است تمام این استدلالات صحیح و قوی  
 و عقیدتانی صورت گرفته نشان  
 میدهد که او بدنیال یک توجه -  
 میگردد. در اینجا نیز کومه له نشان  
 میدهد که نه مدافع و نماینده کارگران  
 بلکه دهقانان کردستان است و -  
 سیالیمی که او مدافع آن است نه  
 سوسیالیسم ملی بلکه سوسیالیسم -  
 خرد بورژوازی دهقانی است که سر تا پا  
 آفته به ناسیونالیسم منطبق است.  
 اگر سابق برای کومه له بطور کلی خود  
 را بخش پیشاهنگ پرولتاریای کردستان  
 معرفی میکرد ما امروز بنوعی قریب  
 طرح مسائلی میپرسیدیم که تفاسیر دیدگاه  
 های کومه له با دیدگاه بنوعی  
 روسی را به عینه نشان میدهد.  
 مندرجه مبتدی لو کومه له "به مناسبت  
 مظهر و پیشاهنگ کارگران و زحمتکشان  
 کردستان" یاد میکند و به این اعتبار  
 خواستار "نوع ویژه و خاص از حقوق -  
 سیاسی و تکنیکالی با درجه خاصی از  
 استقلال" برای کومه له میگردد. او  
 میخواهد که کومه له با تمام نام و -  
 مشخصات خود در درون حزب باقی بماند  
 - ند. همچون یک سازمان مستقل و

نابود باد امپریالیسم جهانی سرکودگی امپریالیسم آمریکا و پیاده و آغیلین



**کومه له بودن نیست**

خودمختار خواستار این است که تقریباً در کلیه مسائل استقلال عمل داشته باشد. ارگانهای خود را متمرکز از حزب سازمان دهد. کنگره خود را داشته باشد. کمیته مرکزی خود را داشته باشد. سروری بیشتر که بجز سرور و رهبری حزب بلکه به صورت رهبری کمیته مرکزی کومه له باشد و خلاصه کلام اینکه کومه له "مقام خود" یا "احساس خود" و "استقلال عمل" خود، همه کار را بتواند انجام دهد. این حد اعلاي خودمختاری تشکیلاتی است که کومه له مدافع آن است. خوبکه دقت کنیم بی میسر کم کومه له مدافع از خودمختاری در گردستان را مدافع از خودمختاری کومه له در درون یک حزب و احزابی طبقه کارگر نیست. آنچه که بدهد این امر چیزی جز دفاع از سیستم فدراتیو تشکیلاتی و همان نقطه نظری بودنیستهای روسی نیست. آنچه که بودنیستهای روسی نیز درخواست میکردند چیزی جز فراتر از این نبود. عبدالله مهندي که از قبل نیز بی برده است نمیتواند مبنای مارکسیستی برای این ادعاها - بی خود پیدا کند متوسل به استدلالا - تی میشود که تنها میتوان از زبان یک نماینده خرده بورژوازی شنیده شود. دفاع کومه له از سیستم فدراتیو تشکیلاتی توسط عبدالله مهندي در

این عبارت بیان میشود که "بدون بی اعتمادی و نگرانی محتمل کسانی همفایت ما باشیم که ممکن است بگویند چنانچه در حزب کمونیست وارد شوید - یعنی این است که احزابمان را فرساده در دست میگیرید و در تهران برای آنان تصمیم گیری میشود. این است استدلال مبتدل ناسیونالیستها - بی تنگ نظری که مدعی تلاش در راه ایجاد انترناسیونالیسم نوسانند! و بر خود نام "لشویکهای نویسن عصر ما" (!!!) گذارده اند. "لشویکهای نوسان عصر ما" و مادیان ایجاد انترناسیونالیسم نوسان با این علت از سیستم فدراتیو تشکیلاتی دفاع میکنند تا بی اعتمادی و نگرانی کسانی فایده آنند که ممکن است بگویند فاریها اختیارشان را در دست گرفته و در تهران برای آنان تصمیم میگیرند. کمیته که با وجود کارگران گردستان دچار اینچنین نگرانیهای شده اند که کومه له بنام آنها سخن میگوید. واقعیت این است که این نگرانی و بی اعتمادی مختص خرده بورژوازی دهقانان است و کومه له در واقع مبنای نماینده آگاه دهقانان نگرانی و بی اعتمادی آنها را بازگو میکند. او بدین طریق در عین حال نشان میدهد که بودنیست بودن جز لاینفک کومه له است و نه سلفها با تمام این اوصاف کومه له در مقاله

**پیش بینی تشکیل حزب طبقه کارگر**





"کومه له" سویدست یا سحفاي روسو  
 - بنسبت مدعی است که دعاء او از  
 سیستم فدرالیسم سوسیالیستی و ادعای خود  
 - دمقاری میگوید فرانت و -  
 بنا به بیانی سویدست های روسه ندارد  
 او به روسه استناد میکند تا باد -  
 بتواند سویدست بودن خود را انکار  
 کند. اما از استناد اساسی سرس  
 سخنپوشه روسه که در حقیقت  
 محتوای اصلی مسئله محوری بحث  
 اوست خودداری میکند.  
 علت این مسئله در حقیقتی نهفته  
 است؟ کومه له برای اسباب سرخسین  
 بودن ادعاهای خود محبور میشود  
 که از تقابول سن پرولتاریائی  
 گردستان و پرولتاریائی ساپرملل -  
 اسرای سخن همان آورد در حقیقت  
 آنجا از این تفاوتها و خصوصیات  
 سخن میگوید که ساگز سرخسین طبقاتی  
 مبارزه پرولتاریا را در گردستان -  
 تحت الشعاع جنبه ملی آن قرار میدهد تا  
 بتواند صورت سازمان جداگانه  
 اسرای پرولتاریائی گردستان  
 با اسباب روسه خود را "مطهر آگاه  
 و متشکل" و "حقیقتا همک پرولتاریائی  
 گردستان معرفی کند. بدین علت کومه  
 له از استناد به بحث اصلی روسه -  
 خودداری میورزد. روسه میگوید "او  
 دائما از سویدست عنوان پرولتاریائی  
 یهودی در حزب سخن میگفت. همچنان  
 که کومه له از مابندگی پرولتاریائی  
 گردستان سخن میگوید احسن -  
 مابندگی جداگانه ای وقتی معنیسی  
 داشت که ما میخواستیم بدریم که  
 مفاع پرولتاریائی یهودی پرولتار  
 سائی ساپرملل روسه و یهودی کمورد  
 در یادماند. من مگر میگویم اگر نسبا  
 یا نکه سرخسین طبقاتی و نه ملی بحث

کیسب جنبین تضادی وجودند' رد و هرگز  
 سرخسینتوانند وجود داشته باشند  
 من سر این اعترافم که هر یک از اعضا  
 حزب نماینده مابندگی پرولتاریائی -  
 نمای روسیه است و نویی کومه له  
 سده ای را بعنوان نماینده گروهها  
 - ی ملی پرولتاریا ندانم مگر  
 محصورم خود را نماینده پرولتاریائی  
 روس، کرجی، ارمی، و آذربای -  
 بحائلی اهل قفقاز دانم. اما من با  
 کمال میل از این جنبین عنوان -  
 دوروداری هم میسوزم بعنوان -  
 جویانند نماینده پرولتاریائی روسه  
 را دارا میگویم همچنانکه نماینده  
 هاسم سرماندن طرند از حضان سوع  
 سازمانی هستیم که با بودن آن در شهر  
 سازمان متحد حزبی ساخته تراند -  
 منطقه ای به زبانهای مورد نیاز -  
 تطبیق کند. دیدگاههای انحرافی  
 در مورد وحدت - روسه  
 این گفتار روسه بدین معنی است که  
 اگر ما از موضع مارکسیستی و اسرنا  
 - سوبالیستی یا تکه سرخسین  
 طبقاتی و نه ملی به سرری ادعاهای -  
 کومه له سرداریم هیچ تضاد منافی  
 سن پرولتاریائی گردستان و پرولتا  
 - ریائی ساپرملل ایران که ممکن  
 است مابندگی کومه له موجب  
 نگرانی و بی اعتمادی میان آنها گردد  
 وجودند' رد و نمیتوانند وجود داشته باشند  
 از این رو چنین نتیجه میشود که  
 وحدت مفاع پرولتاریائی سراسر -  
 ایران حکم میکند. هنگامیکه سک  
 حزب حقیقتا لینینی یعنی حزب  
 کمونسیت ایران تشکیل شود البته  
 به حزبی که سازمانها و گروهها میبندند  
 نظر کومه له وسهند و عده اسرا میدهند  
 آگاه هر عضو حزب نماینده نمای



### کومه له یونیدیست

پرولتاریای تمامی ایران است و نه اینکدیگی فرضیاتام کومه له نماینده پرولتاریای کردستان باشد - دیگری نماینده پرولتاریای بلوچ ، سومی نماینده پرولتاریای فارس ، آذربایجان ، ترکمن ، عرب وغیره و ذالک ، طبیعتاً یک چنین سازمانی نه مبتنی بر اصل فدراتیسم و متشکل از سازمانهای ملی نماینده پرولتاریای ملل ساکن ایران بد - اینگونه کد کومه له خواهان آن است بلکه یک سازمان واحد متمرکز - مرکزی (سری خواهد بود که تا بودن آن در هر شهر ، سازمان متحد حزبی بنا به شرایط منطقه ای بد زمانهای مورد نیاز تبلیغ کند ، از اینرو لازم است که یک سازمان ملی جدا (جیزی نظر کومه له در کردستان وجود داشته باشد ، بلکه لازم است که اولاً و ثانیاً - دموکرات باشم ، تا نیاید زبان محلی آشنا باشیم ، همان اثر ، اگر تریار باشد برای خرمیت و مذهب ساکن ایران - سازمان مخوف خود بوجود آید - بقول کومه له گرانوی و اعتمادی - محتمل کسانی که از حزب سراسری - طبقه کارگر ایران وحشت دارند ، مرتفع گردد ، این امر را بید بسوی وحدت - حزبی بلکه بسوی انحلال و تلافی سوق خواهد داد ، دفاع آشکار و پنهان - مستقیم و غیر مستقیم کومه له از سازمان جداگانه و نمایندگی مستقل بکلی مفایر با امر همبستگی منافع پرولتاریای ایران و نیاز پرولتاریا به یک

سازمان متمرکز و اتحاد حزبی است - خواست کومه له بید وحدت آرا در پرولتاریا - با آسیب میرساند ، بگمانگی آرا از بین میرود و در درون کارگران - اختلاف بیافزاید ، کند تمام مطالب در این است که کد کومه له در این در خواست سوء و برده و حاشیای حقون - سیاسی و کلاسی ، با در حاشیای از استقلال در جنبش از سبب بدر است و دعای میکند ، کومه له همان سبب است حواس را احسن در زمان خود معیار رسد که بسوی بدر است بل پرولتاریا - پرولتاریای کردستان استقلال دادند - با دلس امر سعادی بد روشی کلا فدراسون و اعلامی اعتمادی است - در حال کد مونه مارکسیستی مسلم در هم آمیختن کارگران تمام ملسب در زمان واحد بسوی سری طبقه کارگر ایران نفسی حزب کمونیست ایران است ، کسی که در مده دست بد پرولتاریا بد با بد کارگران تمام ملسبای ساکن ایران و ادراک حزب واحد بسوی صحت مده و مونه - کومه له بسوی السی و عمله بسوی - لسم ننگ بطریقه کومه له مآرزو کند - "دمکراسی طبقه کارگر در نقطه مقابل حار و حمال اجزای نوز و شی کواکو - ن سر ملسب زمان وغیره فرا رگر - منه بوجدت بی مده و شرط تا کد ارض است و در هم آمیختن کامل کارگران مسلم - ملسب در کله سازمانهای طبقه کارگر اتحادیه های کارگری ، تعاونی ، ساز - ملسبای مصرنی و امورنی وغیره آرا در مخالف بسوی شروع بسوی لسم نوز و شی در حواس ملسب ، تنها استخوانه و وحدت و در هم آمیختن مسا مسا بد مکر اسرا بسوی کرده وار



منافع کارگران در مقابل سرمایه  
 - که هم اکنون بین المللی است -  
 و بیشتر از این سوسن المللی  
 خواهد شد دفاع کرده ... (ملاحظات  
 انتقادی درباره مسئله ملی - لیسن)  
 ما مشابه مارکسست - لیسنستهای  
 ایران از این رهمود لیسنستی پیروی  
 میکنیم. آنچه برای ما مهم است تحک  
 - به پرولتاریا یگانگی تضمین عملی  
 تضمین برابری حقوق ملی است.  
 منافع طبقه کارگر و مبارزه ایمن  
 طبقه علیه سرمایه هیستونگی و وحدت -  
 پرولتاریا، سازماندهی آن را در یک  
 حزب واحد ایجاد میکند. برای کارگر  
 آن مزد بگیر کردستان و نیاونی  
 ندارد که استثنای رگننده عمده آنها بود  
 رزوازی فارس با ثبات کرد، او -  
 استثنای میشود و لازمه مبارزه بهروز -  
 مندا و در مبارزه علیه سرمایه -  
 مبارزه علیه هرگونه توهمات ناسیونالیستی  
 - لیستی است که کومه له بان دامن  
 بیزند. سیاست پرولتاری و استرناسی  
 سیرونا لیستی حکم میکند که ما کمونیستهای  
 ایران در همین حال که از حق تعیین  
 سرنوشت تا سرحد جدا نشی و تشکیل دولت  
 مستقل برای ملیتهای تحت ستم دفاع  
 میکنیم از اتحادگانا ملا فشرده و -  
 ناگسستن میا رزه طبقه ای پرولتاریای  
 تمام ملل ساکن در یک کشور در جریان  
 همه و هرگونه تبدلات ناگهانی تاریخ  
 آن را با وجود همه و هرگونه تغییر و -  
 تبدیلی که در مرزهای کشورهای مختلف  
 از طرف بورژوازی بعمل آید دفاع  
 کنیم. اتحاد پرولتاریای کلیه ملل  
 ساکن ایران بالاتر و بی قسمتتر از هر  
 گونه خواهد است ملی است. اکنون از حسم  
 عملی و ملی به بررسی ضرورت وحدت

پرولتاریای کلیه ملل ساکن ایران  
 در یک حزب واحد طبقه ای سرتازم  
 توهمات ناسیونالیستی و خرده بورژوا  
 شی کم کم کومه له را به سمت این دیدگاه  
 سوق میدهد که چنین تصور کنند -  
 انقلاب دمکراتیک توده ای در ایران  
 خلق کرده میتواند از حق تعیین سرنو  
 - شت برخوردار گردد. کومه له طرح این  
 مسئله را از سوی ما کلیتاً نافی مینماید.  
 در حالی که خود این مسئله نیز حسم  
 دیگری از سوسن کم کومه له و دفاع او را  
 از سازمانی مستقل نشان میدهد. -  
 تاکنون کلیه نواهد عینی در ایران -  
 برای، ترکیه و سوریه که ملت کرد در  
 طول مرزهای این چهار کشور منقسم  
 گشته است، نشان داده است که بدون  
 انقلاب دمکراتیک در هر یک از چهار کشور  
 نا مبرده انقلابی که یک حزب کمونیست  
 واحد و سرتاسری در هر یک از این -  
 کشورها رهبری آن را در دست داشته با  
 - ندود بدون آنکه مسئله ملی در کرد  
 - ستان با انقلاب دمکراتیک سراسری  
 در یک جریان واحد انقلابی پیرومند -  
 ادغام گردند. ملت کرد نمیتواند در  
 سرنوشت و مقدرات خود حاکم گردد.  
 این مسئله نیاز به یک سازمان پرولتاری  
 - ی واحد سراسری را که در سرگرفته  
 کلیه پرولتاریهای ملل ساکن هر یک  
 از این کشورها باشد، الزام آور -  
 میسازد.  
 آنا شرایط مبارزه در سراسر کرد -  
 ستان یک سازمان مستقل و جداگانه ا  
 ی را ایجاد میکند؟ پاسخ منفی است  
 چرا؟ علت این مسئله در این است  
 که ملت کرد در طول مرزهای چهار کشور  
 فوق الذکر تقسیم شده است و از دو -  
 جهت پیوندهای اقتصادی، سیاسی



با صفاتی چون این پخشبان کوهستان  
 ز عرف ندانست الا پرتوهای  
 انبساطی اجتماعی و سیاسی که  
 بیرون از آنها بهشتی است برآیند از  
 انبساطی اجتماعی و سیاسی که  
 پدید آورده است. باید تا آن  
 اجتماعی و سیاسی با کشورهای  
 بیشتر است. این امر با هر  
 مدل و در این صورتها در  
 استوار یک عارفان سیاسی و  
 گزاره در ایران هم چنانکه  
 و سورهها ایجاد میکند. تنها  
 است که گویا می تواند بر  
 خود حاکم کرد. هر شیء  
 تا این حد که  
 دیگر جز این هم تعلیمی است چرا که  
 با هر ایام می تطبیق ندارد و  
 زمان آن است چرا که پاسر  
 و رفته ها آموخته می شود. در  
 نیز باید که هر رفته های  
 در یک حزب واحد انقلابی  
 اما زمان را باید و تنها  
 لطیفی و مختلف. حزب  
 انقلابی آن یعنی حزب کمونیست می

تواند از انقلابی را  
 کند هر گونه رآی با یکدیگر  
 و انقلابی و مبارزه در ایران  
 تعیین می شود. در ایران  
 بود که در آن زمان که  
 کردستان و سایر مناطق  
 که در آن زمان که  
 و نسبت به دست که  
 بود که در آن زمان که  
 نظریات و مکتوبات  
 که در آن زمان که  
 و از آن زمان که  
 می گویم :  
 که در آن زمان که  
 دفاع از حقوق و آزادی  
 نوعی استقلال در  
 نظرات می روند و  
 کند که در آن زمان که  
 می گویم :  
 که در آن زمان که  
 از این بر روی که

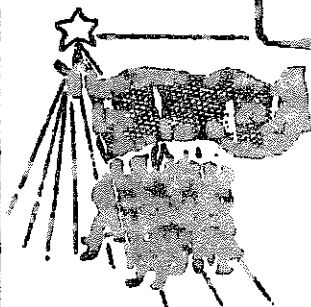


تالیسمان زنا میمون التسموت است پزوشش دفع  
از منافع طبقة کارگر، از منافع دهقانان -  
دفاع میکند، کوهها، آگاهان، آگاهان  
از منافع دهقانان دفاع میکند، شویسیم  
کوهها، کزها، یاد خود را در کوهها  
نشان دهت، ها، نگویند، نترنا، سیونا -  
لیسم کوهها، شمنی، تام، و تا، پسا  
کشورهای موسیالیستی، طبقة کارگر  
کشورهای سرمایه داری و جنبشهای -  
رهائی بخش ظل تحت سترو طبقه های  
سراسر جهان مشخص میشود (۱) در  
عرصه سیاست داخلی نیز دفاع ایجاد  
شکاف و تفرقه در صفوف طبقه کارگر ایران  
است، او خود را به ظاهر مظهر آگاهی  
مسلک و سخن و روش آتشک پروتانی  
گروه شان معرفی میکند، ناد شمنی  
خود را با طبقه کارگر سراسر ایران نشان  
دهت، از این رویکردها، بیست و یک  
شویسیم تا به بیار است .  
پزوشش از این درینکهای تحت عنوان -  
گروهی از پرناه حزب شویسیم  
با این رویکردها، سیاست کوهها، به  
تفصیل مورد بحث قرار دادیم، ما چنین  
تصمیم گرفتیم که کوهها، سکوت خود در  
مورد این نقد کهننگت بسیار مهمی

انگشت گذاشته بود، ناحیه و مناط  
تواشتباهات خود بی برد و اعتراف -  
نموده است، اما اکنون آشکار میگردد  
که کوهها، همچنان میافع انحرافی گذاشته  
خود را محکم حفظ کرده است و هر روز به  
انحرافات تازه ای گرفتار میشود، در چنین  
شرایطی است که کوهها، زیاد درخواست  
میکند که آن بهار به یک سازمان مل  
برخورد کنیم، این شناسائی از جانب  
ما هنگامی، اصولی و مجاز خواهد بود که  
کوهها، با مجموعه نظرات خود یک برخورد  
و رفتاری و ننگدی داشته باشد و  
انحرافات که با آن آغاز کردیم، آشکار  
اعتراف کند، عدم اعتراف صریح با این  
انحرافات، همینانگت، حال گذاشته  
بوده است، کوهها، کوهها، پزوشش  
نزد یک کنگدی نیست که این نظریه  
نیست یا القیود کوهها، وجود دارد که  
میافع پروتانی، نزد یک کوهها،  
طرد و استعمال که شمنی، شمنی  
قابل و شمنی، نبود است، کوهها  
خود را، اعتراف نموده است که  
یک، از این خرد همزمانی، تا رود نیکی  
بود است، یعنی یک سازمان پروتانی  
بود است، کوهها، اکنون بهار است -  
در صفحه ۱۳۴



## ما و شما



ما چون شما از نام تا خام در گذر بردن لذت نبرده ایم  
 همچون شما که زندگی حقیرتان در هیچ روح  
 در آستانه تکریم قلم رها بهنگامت آلود انگشت است  
 به خفت و سکوت و شرم تن در زند آید ما هم  
 با چون شما بهنگامت سر بر نگرانت ما هم  
 ما سرزمین هر زرد بیروز با آتش خشم سوزانند هم  
 با عشق به زندگانی اما نند رسکوت که با آمد هزار سرود به فردا سرود ما هم  
 اما آنها که حقارت سکوتشان را توجه می کنند بر ما نیش خند میزند  
 و با تردید سخن میگویند که همواره ما به نقشی را بر سر خود احساس می کنند  
 زیرا با آفتاب رنگ پرید مغروب حیاتشان در لبستانند  
 و نوکران ستم را بر خ طام می کنند که در پی هر وعده باغ هر گل آنها را که اکنون  
 تفنگها را بر سینه مان گرفته اند تا حتی یک نفس که می کشیم را کنترل کنند  
 در دستها بستان تهر است لارا ز کار گذشته است  
 و جهل مات هراس انگیزی ما اینها تسلیم و تاحت ندند ما ند که تاریخ پتخی از  
 آن یاد خواهد کرد .  
 وای شما پان که تنوعات زندگی را با احساس بگری یکمقال گذرانید ما یاد  
 بیاد آرید زمانی را نه میخواستید این قلدران سیاه دل را بر سر حسم  
 آورید که ما ابدیت را در رای لحظه هائی که متعجب بودید قربانی کرد ما یاد  
 و دستهای ما را به نیش خند به هم نشان میدادید که اینها میخواهند  
 باد بستان خالی که ما خود فنا شد ما ند . . .

کردستان، کردستان پاینده باد عزمت پیروز باد رزمت



ارمنه ۱۴



و شما که خفت این زیست‌نکه با رزاید بر فتنه بزم خلق هو زخند زداید  
 نادریس چنین آرا جینی ذلت خویش را توجه کرد باشید  
 و ما استواری هیچ تر لرزی بانگ رسای خود را همراه می‌یونها بر میداریم  
 اینت فریاد ما است که سکوت را می‌شکنند  
 اینک سرود سرخ رهایی است که از کوههای کردستان تا محله‌های دود  
 گرفتگان سر به جواد به طنین انداز است  
 پلکهای خستگان را باز کنید تا ببینید ما چگونه دقایق پیرارج  
 حیاطان را برهای این خلق ایثار میکنیم  
 همراهی‌ها که کمرگ سرخ را تقدیر میکنند  
 همچون خروش رود خانه‌سیروان در راه رسیدن به اقیانوس توده‌ها  
 دست از جان خستنیاسته‌ها می‌کنیم  
 و ما که با اسارت‌ها می‌کنیم، خود آزادیم.

کوه‌ها را بسوی این مواضع سوق داده  
 است، اما در کوه‌ها جنید یکری یعنی  
 رادیکالیسم نیز وجود دارد. باید به  
 کوه‌ها کمک کرد که خود را از بند توهانات  
 خرد و پوزروائی و ناسیونالیستی و مجموعه  
 نظرات ضد مارکسیستی - ضد لنینیستی  
 سهند نجات دهد و بسوی مارکسیسم -  
 لنینیسم روی آورد. در چنین حالتی است  
 که ما با کمال میل حاضریم به کوه‌ها نیز  
 مارکسیست - لنینیست خطاب کنیم.

کوه‌ها را بسوی مارکسیست

اقتصادی - اجتماعی ایران را نه تنها  
 فئودال - فئودالستعمره بلکه سرمایه‌داری  
 میدانند و در حرف هم گفته به رهبری  
 طبقه کارگر می‌آورد. اما متأسفانه کوه‌ها  
 با پذیرش نظرات ضد مارکسیستی، و ضد  
 کارگری سهند در ورطه هولناکی  
 قرار گرفته‌است. هرچند که تا این طبقه‌ای

پیروز باد مبارزات خلق قهرمان کرد در راه آزادی و خودمختاری



## جاودان باذخاطره فدائی شهید انور اعظمی

یکسال پیش در روز ۱۱/۵/۶۲ ارفیق -  
فدائی انور اعظمی یکی دیگر از ارزنده ترین  
رفقای سازمان خون خورشید و شجره امراهائی  
کارگران و زحمتکشان نمود. وی با شهادت  
خود بزرگ ترین دیگری بر تاریخ خونریز  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و جنبش  
انقلابی خلق کرد افزود.  
فدائی شهید رفیق انور اعظمی فرزند -  
راستین خلق کرد و یکی از بهترین رفقای  
سازمان بود که بیش از شش سال از حیثیات  
پرافتخارش را وقف امر طبقه کارگر نمود.  
و عشقی بی پایان نسبت به زحمتکشان و  
استوار شوندگان و نفرت عمیقی نسبت  
به دشمنان طبقه کارگر داشت. او با قدرت  
تبلیغی که داشت در میان زحمتکشان کرد  
بخصوص مناطق مقرر و کان از محبیبیتی  
خاص برخوردار بود. زحمتکشان سقز  
بیاد دارند انور را چگونه در تینگهای  
که در محل تجمع آنان بدون هیچ برنامه  
قبلی تشکیل میداد و از زبان آنها از درد  
ورنج آنها صحبت میکرد و راه علاج را به -  
آنان که همانا تشکی بود رهنمود میداد  
بیاد دارند نقش ارزنده او را در تشکیل -  
کانون کارگران بیکار شهر و از خود گذشتگی

ها پیش در رابطه با بالابردن سطح  
آگاهی آنان او همیشه در صف اول مبارزه  
بود زیرا قلبش همراه توده ها میطپسید.  
او در سختیها پیشقدم بود زیرا خود را سر -  
سریاز کوچک انقلاب میدانست.  
رفیق شهید انور اعظمی در جریان زندگی  
تشکیلاتی خویش همچون یک کوهنویست  
در تمام جنبه ها درون تشکیلات و خارج  
تشکیلات طعیده دشمنان قسم خورد سازمان  
زحمتکشان و ملت کرد سرسختانه مبارزه  
مینمود. او با سرسختی در راستراستی و  
انعطاف در تاکتیکها، فروتنی و قدرت -  
منطق، اعتماد بنفس و غرور شدن به هزاران  
ند به یاری و اصولی بودن، آگاهی  
و ایمان بتوده ها که از خصوصیات بارز وی  
بود. در جهت پیشبرد خط اصولی سازمان  
پوششلات فلبه هیچ مانعی را در راه  
راه یاری مقاومت در برابر وی نبود.  
رفیق انور با توجه به خصوصیات و درک قوی  
که از راه کمیسر - لنینسیم داشت  
به عضویت سازمان و عضو کمیته کردستان -  
سازمان درآمد و با توجه به تواناییهای  
که در وی وجود داشت مسئولیت سیاسی  
تشکیلاتی تهران نیز عهده دار بود. ما مست -  
اما یکسال پیش این رفیق ارزنده به عهده  
از زخمی شدن در جریان درگیری و خلع





### گرامی باد

## خاطره فدائی شهید ★

جواد کاشی

وید بین منظور فعالیت خود را پس از خیانته  
 رفرمیستهای موسوم به کوریت نیز در  
 سازمان داد اعداد گدریها ارسال ۱۳۶۰  
 به همزمان فدائی خود در جنوب کردستان  
 پیوست و نقش فعال خود در جنبش انقلابی  
 خلق کرد ایفا نمود .  
 او در تمامی این مدت سمبل فدائاری و  
 صداقت و انضباط کمونیستی بود ، علاوه  
 او میفزون نظامی بحدی بود که در کمتر مدت  
 زمین ممکن توانست در عطیاتیهای کونا کون  
 مسئولیت دسته های عملیاتی را بعهده  
 بنمرد ، رفیق گاند پدای عضویت در سازمان  
 فرمانده نظامی دسته های پیشرنگ بود .  
 سرانجام در تاریخ ۱۳۶۱/۵/۲۰ طی  
 یک تهاجم لا ورنه به نیروهای سرکوبگر در  
 باطلوجه - بخند هندی سینه هر مهرش  
 آماج گلوله های پاسداران ارتجاع و -  
 سرما به قرار گرفت .  
 یادش گرامی و راهش پررو هر و یاد .

یکسال از شهادت یکی از باترین و  
 شریفترین فرزندان خلق گذشت ، روز ۲۰  
 مرداد سال گذشته ، بر سر چارلتران و  
 سرکوبگران خلق کرد به روستاهای اطراف  
 بودند ، با جانبا زنها و لایر بهای  
 پیشران قهرمان فدائی آنچنان ناکام  
 ماند که دشمن هنوز از فراموش کردن این  
 حماسه بازمانده است .  
 فدائی شهید ، پیشرنگ قهرمان رفیق  
 جواد کاشی که در این نبرد قهرمانانه  
 بشهادت رسید ، یکی از خستگی ناپذیر -  
 ترین و وفادارترین کسانی بود که با رمان  
 کارگران و زحمتکشان عشق میورزند ، او که  
 خشم و نفرت صبیق خود را با مهر یا لیس و یادش  
 بارها و بارها در نبرد های لا ورنه ، از جنوب  
 کردستان تا شمال آن بشبوت رسانده -  
 کارگزار های بود که طعم تلخ استعمار را در برقیق  
 شاه بخوبی چشید مبود و برای رهائی از یوغ  
 آن به مبارزه برخاسته بود ، شور و اشتیاق -  
 زائد الوصف او برای کارگران و زحمتکشان  
 آنچنان بود که پس از سرنگونی شاه نه تنها مبارزه  
 به یک خود داد اعداد و سازمان پیشرنگهای فدائی  
 خلق ایران را تنها مدافع استین آرمانش  
 میدانست .



شیریک بودوشه هید

شوه هاتمه سالهکمی خمین  
 رژی شهید بوون دورولهی بهتین  
 لمدشتی چول ویتی ثاری بوکان  
 تهنه هطماوه نپمان لهچمکیان  
 کهوتنه سرشمرز وهک باویوران  
 سهدونجا کس له دوزمن توومان  
 بگرهوسمند، هراوسمزم بوو  
 کهارودرا سوای له دوزمن زوو  
 ههفته کس دوزمن بهدیل کهساره  
 جهک وچولیشیمان بههار پانچاوه  
 تهنه تهاو بودوزمن تیک شکا  
 ستون فیدائیان گساره دوا  
 بهلام بهداخمر کاک جهواد کوزرا  
 خروسی پیروزی له یافچه نیژ را  
 جهوادای نهمر بوتی نهمر بوو  
 کیانی فیدای ئاسانجی گهل بوو  
 شهسوری جوان ئاسانجی جهرک  
 بریند ارگرا به پانکت کهوتن  
 سنی رژ پریندار مایهوه لهجی  
 میلاجی نهمرا ریگی ماوه جی  
 شهسوری دلسوز جهرگی دوزمن بری  
 هاوی زحمه تکیش، جهسور و دایم  
 شهسور له میژ بوو شهسوری شهکرد  
 بو کونه پهره مست هیرشی شهبرد

جهواد و شهسور رولهی فیدائی  
 کیانیان فیداکرد لهری ئازادی  
 هیزوتوانان یان ئاسانجی گهل بوو  
 شهسور شیمان بسوزه حمه تکیش بوو  
 «نناسراو»

به مست لمانی پابرد و به

پر خیرانه دیدان خایر تیر ماه

- ۱ تیر تاسیس جمهوری د مکران تیک  
 خلق مهن ۱۹۶۹
- ۲ تیر شهادت مجاهد شهید بهد  
 رتاسمانتی
- ۳ تیر استقرار مرزاجیک ۱۱۷۵
- ۴ تیر شهادت شهید فخراسانجی  
 نوبهیا
- ۵ تیر شهادت شهید فیدائی خان  
 بهزاد سیفا ۱۳۶۰
- ۶ تیر اعتصاب کارگران نفت  
 جنوب و شهادت تنی چند ارکارگران  
 - ۱۳۱۵
- ۷ تیر آغاز جنگ داخلی اسپانیا  
 ۱۹۳۶
- ۸ تیر انقلاب نیگاراگنده ۱۹۷۹
- ۹ تیر ۲۰ تیر ۱۳۳۱



یکسال از شهادت دورفیق فداکار، در سبیل شجاعت،  
پایداری و ایمان به راهش کارگران و زحمتکشان، دو  
مبارز راه آزادی، دمکراسی و موسیالیسم  
مردی بزرگ فداش، که در نبرد قهرمانانه با غلوجه  
ویفده کندی در مرداد ماه سال گذشته حماسه آفریدند  
بگری شد.

یاد رفقا:

جواد کاشی، انور اعظمی

و

که در روزهای ۳۰/۵ و ۳/۶/۱۳۶۱ شهادت  
رسیدند با تداوم مبارزه برای:

سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی

و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق

گسرامی می‌داریم



## اخبار اعتراضات کارگران وتوده های زحمتکش

اعتراضه گوش مقامات رژیم ضدبشری میروند  
 وجلالی خمینی ناپتده خمینی جلاد دو  
 گرومان سرپاز رادر زیر حمایت چند -  
 هلیکوپتر برای سرکوب روستائیان زحمتکش  
 میفرستد . مردم روستا جوانان را مخفی  
 مینمایند ، اما مزدوران با تیراندازی هواپیما  
 و تانکها و تانکها اقدام به دستگیری ۱۸ تن از  
 مردم روستا مینمایند چند روز بعد مردم  
 روستا تصمیم میگیرند که روز ۱۲/۴/۵۰ به  
 تهران بروند و در جلو مجلس ضد بشری  
 رژیم تحمیل اختیار کنند اما رژیم با یک  
 وسیع مجددا ۶۰ تن دیگر از اهالی را -  
 دستگیر نموده است

لازم به تذکر است که انجمن برای حرکت  
 در روستاهای منطقه مینظر مطلوبی اصر  
 مثبت داشته بطوریکه مردم روستای  
 از نوجان نیز حرکت مشابهی را بسا  
 موفقیت انجام داد فاند  
 حرکت پیکار چه مردم خلیج بر طبقه  
 تخریب خانها :

در تاریخ ۱۲/۴/۵۰ (شعبان)

در تاریخ ۱۲/۴/۵۰ صد هاتن از مردم  
 زحمتکش و بیارز روستاهای مذکور (از توابع  
 سپهر خمین) بر علیه پاندارمهای مزدور رژیم  
 جمهوری اسلامی در آن منطقه دست  
 به اقدام پیکار چه زدند . اعتراض مردم  
 به طغیان حفر چاهی که توسط فئودالهای  
 بک ده دیر که باعث کاهش شدید آب  
 رودخانه روستا شد صورت گرفت ، مردم  
 روستا که تعدادشان به ۸۰۰۰ نفر  
 میرسد در فصل گرما و در اکثر ماههای  
 سال دچار کمبود آب هستند .

مردم پیکار چه و متحد و مصمم بطرف چاه  
 مزبور حرکت نموده ابتدا موتور داخل -  
 آنرا خرد کرده و سپس با گامون آنرا بر  
 مینمایند . فرماندار و تعدادی سرتور  
 همراهشکه برای جلوگیری از نابودی چاه  
 به روستا آمدند میدیدند هر چه حمله قرار گرفته  
 و فرار را بر قرار ترجیح میدهند ، خبر  
 اعتراض بگوش مقامات رژیم ضد بشری میروند  
 مردم قهرمان روستا مینمایند چند روز بعد

گمیته های مخفی مقاومت رادر هر شهر و روستا ایجاد کنیم



## اخبار اعتراضات ...

ساعت حدود ۱۰ شب هدای از مومنین شهرداری قصد تخریب خانه‌های شهرک طالبان واقع در خلیج (جاده قدیم ترح) به آنجا می‌زنند. پس برای خراب کردن پلک خانه که قسمتی از دیوار آن ساخته شده بود با مقاومت صاحبخانه ورزش روبرو شدند مومنین مزبور خرد را کنار دیوار قرارداد و می‌گویند دیوار را بر سر من خراب کنید. مومنین شهرداری که قصد تخریب داشته‌اند مسود حمله صاحبخانه و بناها وارد مبارز و آگاه منطقه قرار می‌گیرند. و در حالیکه شعار مرد بسر شهردار میدهند مومنین آنها را با سنگ و چوب خرد مینمایند و مومنین را بشدت مضروب می‌سازند.

متعاقب آن ساعت ۱۲ شب دو ماشین گشت سپاه بود و ماشین کمیته وارد منطقه میشدند و مردم درگیر میشوند. مردم مجدداً با اتحاد و یکپارچگی در مقابل مزدوران ایستاد و مزدوران مبادرت به تیراندازی هوایی مینمایند (در جریان این عمل یک زن جامعه پس از زیهوش شدن سقط جنین میکند) مزدوران فرار را برقرار ترجیح میدهند و مردم فردای

آنروز با ساختن تظاهراتی نیه‌کاره خود میرد از دست و مصمم و متحد سوگند یاد میکنند که برای دفاع از حقوق خود در مقابل توطئه‌های رژیم طاقت‌ناکند.

اعتصاب در مومنین زغال سنگ شا هرود؛ در تاریخ ۱/۱۲/۶۷ پیش از دست و هزار تن از کارگران و زحمتکشان معدن زغال سنگ شا هرود در اعتراض به اضافه کاری و فشارهای انجمن اسلامی دست به یک اعتصاب می‌زنند، آنها خواستار اخراج اعضای انجمن اسلامی و بد بیریت و البته به آن میشوند که سفر روز طول میانجامد. مسئولین رژیم ضد خلقی به خواسته‌های کارگران پاسخ نمی‌دهند.

یکی از کارگران آگاه معدن میگفت:

۹ سال است که مثل خر جان می‌کنیم، آخری ما بد بخت‌ترین انسانها در آنجا (معدن) هستیم. شرایط بد کار - نداشتن ایمنی و هزاران مشکل - دیگر جانمان را به لب رسانده کارکرد دیگری میگفت:

باسم اسلام پدر همراهِم را آورد ما نرسد و بعد ما خمینی بجای آنکه مملکت را با گل تبدیلی که به گل تبدیل کرده است (بمحض دریافت خبر از چگونگی



## اخبار اعتراضات ...

مبارزه کارگران انزلی در خبرنامه بعدی -  
درج خواهد نمود .

اقدام قاطعانه گامی برداران :

در تاریخ چهارشنبه ۱ / ۴ / ۶۲ حدود

۵۰ نفر از کارمندان کارخانه سنال -

پزی آپیک قزوین در اعتراض به حق حمل

آجر، به کارخانه حمله نمود هر و ما -

سرپرستان آن را گروگان میگیرند .

و سپس بدست يك ساعت کارخانه را

متصرف میشوند . آنها میگویند . اگر

قراری باشد که کارخانه حمل آجر با عهده

بگیرد چون به کارمندان آن گریه ناچیزی

هستد از بد آجر را در مقصد شهرستان

به قیمت مادانه بفروشد بوساند . بنابه

اظهاری چند راننده خود در ایستگاه

گروگانگیری دست داشتند گفته شد :

در این کارخانه بابت حمل يك کامیون -

آجر با گریه ناچیزی میبرد از بد . اما

از فروش چند برابر بیشتر نرخ آجر اضافه

نموده و به جیب میزنند ولی ما میگوییم اگر

قراری باشد گریه بیشتری از مشتری -

در یافت دارند باید به رانندگان به

پرد از بد و گریه ثابت خواهد کرد که -

مسئول گران آجر خود کارخانه

میباشد . پس از این حرکت حدود بیشتر

از ۰ آنفوسری از طرف زاندارمری -

آپیک به کارخانه ریخته ۰ آنفراز -

گامی برداران مبارزاد سنگی و

زاندارمری منتقل میکنند .

رشت : پد نیال او جگری اختلافات

درونی جناحهای حکومت سرپرست

پسیج اقتصادی رشت (حسینی) مجبور

به استعفا گردید . نامبرد در خلال خدمت

خود به سرما پد اران مرتکب دزدی و

ایجاد گران و احتکار گشته بود .

کرد گوی . - هفتاد و هشتاد و هشتاد

با خبر شدن مردم از اعداد تجاوزیه دو

دختر مجاهد چشم و نفرت سراسر این شهر

کوچک را فرا گرفت به حدی که مردم آغدارا

تظاهر به چشم و نفرت طنی مینمودند و

رزمی برای مقابل با اجتماع احتمالی مردم

حدود ۰۰ میاسدار را از شهرهای اطرا

- ف به کرد گوی کسیلی می دارد .

مشهد - از اول ماه رمضان توسط کشت

ثارله و خواهران زینب اقدامات ضد پی

زندانی سیاسی آزاد باید گردد . شکنجه . ترور . زندان نابود باید گردد



## مراسم تسلیح رفقای پیشمرگ دومین دوره آموزشی

آموزشگاه شهید مسعود رحمتی

در تاریخ ۱۳/۴/۲۲ دومین دوره —  
آموزشی پایگاه شهید مسعود رحمتی ،  
دوره شهید طی نوزدی ملی مراسم تسلیح  
شکوهمی در حضور مردم زحمتکش یکی از روستا  
های آزاد شده کردستان مسلح و سه  
صاف پیشمرگان رزمنده فدایی پیوستند .  
در این مراسم که چند ساعت بطول انجامید  
نخستین پیمان احترام به شهید ای بخون  
خفته خلق ، شهید ای راههای و سوسپا —  
لیسم یک دقیقه سکوت اعلام شد .  
سپس رفیق فرمانده نظامی شاخص سخنانی  
در رابطه آموزش و ضرورت این امر ایراد  
نمود ، در سخنان رفیق به کیفیت جدی  
جنبش ملی دمکراتیک خلق کرد و ضرورت  
مسلح شدن مغزها و دستها بجا بیاید  
مشخصه هر پیشمرگ فدایی برای وارد آوردن  
دن ضربات هر چندید تیرس بیکر لیزان —  
رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی اشاره —  
نمود .

ستن دستکچدی از فتا به صفوف —  
پیشمرگان سخنانی در رابطه وضعیت  
فعلی جنبش مقاومتی رژیم ، وظیفه نیروها  
و مردم ایراد نمود . رفیق همچنین سیاست  
جنگی در متعلق کنونی یعنی " دفاع ستراژ —  
یک و تعرض تاکتیکی پشت جبهه های —  
دشمن " اشاره کرد . همچنین بر ضرورت  
اتحاد عمل نیروهای انقلابی و هر چه بیشتر  
مسلح شدن توده های زحمتکش انگشت  
گذاشت .

سپس رفقای آموزشی که با موفقیت دوره را  
به پایان رساندند بودند مسلح شدند ، و  
هنگام تحویل سلاحها با فریاد درود بر  
فدایی ، زندمباد سوسیالیسم احساسات  
خویش را بیسان داشتند . و همچنین  
یکی از رفقای آموزشی به نمایندگی از طرف  
رفقای دوره اظهار داشت با امید آنکه  
بتوانیم با ایتار و فداکاری های خویش لیاقت  
نام فدایی را داشته باشیم .

در قسمت دیگر برنامه ، نماینده پیشمرگان مدیسی بد ستاورد های آموزش با وجود فشردگی کثیر  
سازمان ضمن اظهار خورگالی انجمن — اشارت کرد و رآوریهای سیاسی نظامی —

سه رکه و توبی بزوتنه وهی شورسگیترا نهی گه لی کورد



جاودان یاد خاطره فدائی شهید

مراسم تسلیح ...

### ☆ انور اعظمی

از سنه ۱۳۶۴

سلاح گروهان ضرسها یکا محر سقز نمند  
 از سرور د ر بیمارستان شهید بند ۰ هر  
 چند فم از دست دادن چنین رفیقی برا  
 بهان تسلیح است مادر را ولین سال کسر  
 شهید تش عهد میند پم این غیرا به نیروی  
 برای مبارزه بشیر و او در ادا امر اطو تبد یل  
 نهالیم و تا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی  
 و رقراری جمهوری دمکراتیک خلق از  
 پای نخواهیم نشست  
 یادش گرامی و راهش پرر هر و ساد

تشکیلاتی آن را بر شمرد ۰ برنا مه با سرود  
 سازمان و سرود های ملی و ابراز  
 احساسات مردم پر وستا و شلیک تیر هسای  
 هوا پره ها بیان پذیرفت لازمیت توضیح است  
 در این دوره مد های از فضای هواد ر  
 سازمان در شهرستانهای دیگر ایران که  
 ارتباط آنها قطع شد و بود و از طریق  
 سازمان توانستند ارتباط  
 برقرار کنند پس از طی آموزشهای سیاسی  
 و نظامی و تجدید ارتباط جدید با تشکیلات  
 سازمان حوزه های فاموریت خود شدند ۰

### ||| اخبار اعتراضات |||

از سنه ۲۲

اسلامی مد رسرا تعطیل میکنند ۰ هم  
 چنین در سطح شهر بطور وسیعی اعلامیه  
 ها و تراکت های افشاگرانه پخش کرده  
 است ۰  
مشهد - در روزهای ۲۰ آخرداد کشتهای  
 رژیم بطور وحشتناکی در سطح شهر  
 پراکند شد و به بازرسی بدنی مردم و ایجاد  
 رعب و وحشت مشغول گشتند ۰ آنها  
 بهر جوان و حتی کودکان را با زورسی  
 می نمودند ۰ این کارصدمت نروزادامه  
 داشته و تا کنون مبادرت به این عمل در  
 مشهد بی سابقه بود ما ست ۰

حجابی شدت گرفته است و حتی يك مورد  
 اسید پاشی نیز مشاهده کرد بد ما ست ۰  
 نتیجها بین اقدامات تفروانزجار مردم  
 بود ما ست و استفاده ازمانتهای اسلامی  
 هنوز نیز رواج دارد ۰

مشهد - در اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ (۱۶  
 اردیبهشت) درد پیروستان دانش  
 هنر دانش آموزان آگام مبارزای پیرو  
 در پیروستان اقدام بنوشتن شعارهای  
 انقلابی و ضد ولقی مینما عهد ۰ وسعت  
 شعارها بقدری بود ما ست که ناچمن



و حشمت رژیم جمهوری اسلامی از آوازه اخبار صحیح جنگ چیست ؟

زدی که به سه سال از جنگ ارتجاعی د رژیم ارتجاعی ایران و عراق میگذرد ، ادامه این جنگ ارتجاعی که ضایعات تلفات سنگین به د و کشور وارد آورده و صجز فقر و بختی و خانه خرابی برای خود های د و کشور جیزد بگذرد ، در روند است . همچنان با رستنین ادامه این جنگ بردش زحمتکشان قوارد ارد . از این میان رژیم جمهوری اسلامی هرروزه از - نتایجات و پیشرویهای خود سخن میگوید ، ولی از تلفات و خسارات وارد شده و اینکه در حمله اخیر بیش از ۵۰۰ کشته بجای گذاشته چیزی نمیگوید . چرا ؟

برای اینکه بتواند هرروز جوانان بیشتری را به سلخ بکشد ، برای اینکه هرچه بیشتر بتواند جیزد حشمتکشان - نمان را خالی کند ، برای اینکه چند صباحی بیشتر هر صحر تنگین خود با افزایش ، برای اینکه . . . . .  
ما پرسنل انقلابی از مردم هم میهنان مبارز می خواهیم تا با مبارزه ای یکپارچه علیه رژیم ارتجاعی جمهوری - اسلامی ، مانع از قربانی شدن جوانان و نوجوانان خویش ، برای منافع سرمایه داران و تجار مفتخوار گردند .  
ما پرسنل انقلابی از تمام سربازان ، درجه داران و افسران انقلابی و آزاد بخواد به موت میکنیم با پیوستن ما پرسنل انقلابی و ایجاد هسته های مخفی مقاومت در د روین پادگانها و جبهه ها ، این جنگ ارتجاعی را به جنگ علیه حاکمیت ارتجاعی تبدیل کنیم .

مردم هر رژیم جمهوری اسلامی

پرتو آریاد جمهوری د مکرانیک خلق

پرسنل انقلابی ارتجاعی



سنگ قارگورد  
برای تشکیل حزب کمونیست (۱)

است. "سهند" یا اتحاد مبارزان -  
کمونیست امروزه عنبرداران این کدی  
است.

برای آنها هیچ پادشاه یا نجار شکرات  
بویژگانی این محفل روشنگری که خود را  
تجلی کمونیسم خالص و ناپند مقدرت -

طبقه کارگر ایران معرفی میکند. آشنا  
شوم بخشهایی از نوشته های آنان را  
مورد بررسی قرار میدهم. "سهند" در

دراگان شوریک - سیاسی خود در مقا -  
له تحت عنوان "حزب کمونیست ایران  
دو گروهیست؟" ابتدا به نقد دوگرایستی

انحرافی میرد از دو سپس درک خود را از  
حزب کمونیست و چگونگی تاسیس آن ارائه  
میدهد. آنچه که در درجه اول و مهمترین

هسته در تعاریف "سهند" چشم میخورد  
ظاهراً ایجاد یک رابطه "منطقی" بین  
کمونیسم پیمان به یک گرایش و حزب کمونیست

به عنوان تشکیلی که میاید این گرایش  
را ناپندگی کند، میآید. "سهند"  
با استدلال اینکه درک فدائیان از -

مفوله "پیوند" بین حزب و طبقه یک درک  
متافیزیکی و کمونیستی است. خود پیوند  
بین حزب و کمونیسم را بجای پیوند کمونیسم

و طبقه است. فدائیان در بیان این نتیجه میروند که  
چون کمونیست را طبقه کارگر بیانی پیوند  
خورد تا سینه و پس پیوند بین حزب و  
طبقه سطلان ضروری میآید. برای آن  
که بتوانیم "دینا سیم" ارتباط بین  
حزب و طبقه را آنگونه "سهند" برآورد  
"درک" کنیم و به هر هستی یک نقل طوب  
لانی ترجیح مییم.

"سهند" در این اثر بدیع آمیز خود میگوید  
"ما هم اکنون در قالب نقد فدائیان خلق  
(اقلیت) بصیرتانه حزب کمونیست ...

را جسد فایم این کلیان مواضعی است  
که نیروها و احزاب خرد بیهوشانی بوزوم  
آند ستارگان آنها که تحت نامها و کسبیم  
سخن میگویند، در آینه موهکرات در  
مقابل ما قرار خواهند گرفت.

نقطه مزیت و محتوای جامد و متافیزیکی  
این دیدگاه در این است که حزب کمون  
نیست را نه تنها به یک دید میزند متفخیر  
و متقابل بلکه بعنوان ثابت و لا یتغیر

در نظر میگیرند. تصویر از یک حزب -  
آید مال در شرا پیل ترسیم میکنند و آنرا  
تصرف مومی و همیشگی حزب کمونیست

تلقی داد میکنند. تصویر که ابد آجهان  
شمول و ابد ارنیست بلکه تا ازل آمده  
شرا پیل تاریخی و ... در این دیدگاه -



سبک کارگومه له ۵۰۰ ۵۰۰ از صفحه ۲۹  
حزب کمونیست به ناکزیر وجود پتی قسمت  
وارها ره ترسیم میشود \*

نویسنده مقاله چند سطر قبل از این -  
میگوید:

"دیدگاه ما کما لکون میستی ... حزب را چنین  
تعریف و تصویر میکند "حزب کمونیست  
، حزبی صاحب نفوذ در میان طبقه کارگر  
است" نماید جنبش طبقه کارگری است  
واز طریق ارکانهای مختلف در کارخانه  
ها و محلات و مجامع کارگری با توده -  
کارگران در ارتباط نزدیک است" به صورت  
خلاصه حزب کمونیست یک حزب قدیم  
و گسترده کارگری است با سطح درایسن  
دیدگاه چنین است "پیروند" طبقه کارگر  
پیش شرط تشکیل حزب است \*

ما نقد این نظرات را بجمده موقوف میکنم  
حال ببینیم "سپند" با نقد این "گرایش"  
چه تعریفی از حزب کمونیست ارائه میدهد -  
"سپند" چنین ادعا میدهد:

قبل از هر چیز باید این امر بدیهی را  
خاطر نشان کنیم که حزب کمونیست چیز  
نوظهوری نیست، اختراع و ابداع کشف  
جدیدی از جانب ما نیست کمونیسم  
خود یک گرایش مشخص و با افتاد در -  
جنبش طبقه کارگر جهانی است \* نظریه دیگر

گرایشات در این جنبش ... اما از اکنون -  
میستها (فدایان خلق) تا نام کمونیسم  
 مطرح میشود ، این اید مجوز و اثری که -

کمونیسم جریان جدا از طبقه کارگر است  
که تازه باید با آن "پیروند" بخورد ، قلم  
علم میکنند ، حال آنکه کمونیسم اولاً در -

همان جدایده ها و گرایشات کلی آن ،  
با تحولات کهن و عمیق رنجبران در طول  
تاریخ هستی بر لزوم الغایا لکیت خصوصی

بر وسائل تولید و محتواستمار طبقاتی ساز  
- کاری ندارد ، ثانیا در همین حال پس  
منا به یک جنبش مشخص و اتصی و سیاه سی

پارها خود مستقیما کارگران را در صفوف  
میلونی شان مشتمل کرده ، انضالیات  
کارگری مستقیم را و هر چه در دسترس

برای مدتی آنهم فقط در یک کشور  
طعم قدرت سیاسی و ایط آنان چشاند  
است ، این درست است که سوسپالهم

علمی از درون جنبش خود بخودی نیروید ،  
اما این اید ابه معنای آن نیست که کمونیسم  
همواره عوامان را طس رفیقه بوند تاریخی که

پارها را انضالیات مختلف جنبش جهانی  
که در آن انعکاست جریانی خارج از  
جنبش طبقاتی است که باید مدا با آن -

پیروند "بخورد و در هر کشور هر روز از سوس



می‌بوند بخود ۱۰۰۰ کزنومیت یاز سال  
 لااقل يك قرن از تاریخ مبادی افاد ماند ،  
 کمونیسمد یگر د ید منو. ونوظهوری برای  
 جنبش طبقاتی نیست ، بلکه امروزه يك  
 جزا ی تجزای آن ویک گرایش علی در -  
 موقوف آن بدل شده است . ما نیست  
 کمونیسست ، بین الملل اول ، انقلاب  
 اکتی ، بین الملل سوم انقلاب بین کمو -  
 نیست بی شمار در طول این دهها سال  
 میلیونها در در ا تحت پرچم کمونیسسم  
 بسیج کرده اند . ۱۰۰۰ آری کمونیسیم تاریخی  
 دارد و این تاریخ بارها موجودیت -  
 کمونیسیم را بشا به جریانی متعلق به  
 پرولتاریا به ثبوت رسانیده است .  
 بسوی سوسیالیسم شماره ۱۰  
 تأیید از ما است .

همانصوركه مشاهده میشود "سهند"  
 هنوز تعریف مشخصی از حزب کمونیسست  
 ارائه نداده است . نویسنده از تعریف  
 حزب کمونیسست آغاز میکنند ولی از تفسیر سر  
 در میآورد . ما برای حفظ روال بحث  
 و باین منظور همه محتوای نظرات "سهند"  
 لطفه وارد نشود ، باز هم بررسی طت این  
 آسمان در یسمان بهم بافتن و کلسی  
 کونی ها را بجمد میساریم تا ببینیم نویسنده  
 بالاخر مهتد از این قلمفرسائی به چه

نتیجه مشخصی میخواهد برسد . "سهند"  
 بحث خود را بطور یابان میرود که  
 "کمونیسیم گرایشی در جنبش طبقه کارگر است  
 که با اهداف و روشهای مستقل خود از -  
 ما بر جریانات سیاسی و طبقاتی متا یز  
 میشود . حزب کمونیسست تشکل حزبی  
 این جریان مشخص و متا یز است کمونیسیم  
 يك جریان کلی و عام است . اما حزب -  
 کمونیسست پدیده و موقولطای مشخص است .  
 حزب آن تشکل سیاسی است که اهداف  
 و شیوههای کمونیسستی را بمنحواد اده کار و  
 استوار اتخاذ میکنند و رواج میدهد . حزب  
 کمونیسست ، کمونیسیم متشکل است و لذ اهر  
 تشکلی که او را این اهداف و شیوهها را

پسندد ، آنرا از آن خود بداند ، و سه  
 این متعهد شود ، مبارزه خود را بر مبنای  
 آن سازمان دهد و به پیش برود و تا نیاز  
 توان گالی و استواری علی لازم برای ادامه  
 کاری و ثبات قدم در این امر برخوردار -  
 باشد ، يك حزب کمونیسست است . حالا  
 خواه این حزب کوچک یا بزرگ شود ،  
 ضعیف یا قوی شود ، در اپوزیسیون باشد  
 و یا دولت را تشکیل دهد . این حزب ،  
 حزب کمونیسست خواهد بود ، زیرا آنها پنده  
 متشکل کمونیسیم به مناب جریان متا یز



سیک کارکومده ۵۵۵۵۵ صفحه ۲۸  
 و مشخص در جنبش طبقه کارگراست.  
 بسوی سوسیالیسم شماره ۵  
 تاکید از ما است.

کلی گوییهای بی محتوا و حاشیه پردازیهای  
 مکرر در نوشته های "سهند" مانع از آن میشود  
 که خوانندگان مبتدا کی بتوانند پی بیاصل -  
 مطلب ببرد. با این همه سعی ما اینست  
 که از حاشیه پردازی بشیوه "سهند" -  
 بپرهیزیم و به بررسی جنبه های مختلف  
 همان اساسی بپردازیم.

۱- رابطه بین کمونیسم، حزب و طبقه  
 "دیاکتیک" ارتباط بین حزب و -  
 طبقه را آنگونه که سهند درک کرده است  
 شناختیم. همانگونه که گفتیم چون از نظر  
 سهند کمونیسم پارها با جنبش طبقه -  
 کارگر جهان پیوند خورد ما است، پس  
 صحبت کردن از پیوند "سوسیالیسم  
 علمی و جنبش طبقه کارگری" حزب پیوچ  
 بی معناست.

سهند میگوید: "کمونیسم یک جریان کلی  
 و حزب کمونیست یک نهاد مشخص است  
 آری حزب کمونیست، کمونیسم متکامل  
 است، نه اینکه کمونیسم به یک جریان  
 متناهی و مشخص در جنبش طبقه کارگراست  
 در این هیچ شکی نیست. اما این تعر

یف مجرد نمیتواند کدام مشخص ما را  
 کرد. اینها تعاریف کلی و عامی هستند.  
 کلمه تنهایی چیزی را اثبات نمیکند.  
 از نظر ما کمونیسم علم شرایط رها -  
 پروتاریا و حزب که نیست ابزاری رها -  
 می است. این همان چیزی است که  
 در تمام تعاریف "سهند" فراموش شده است.  
 چرا که سهند میخواهد با تعاریف کلی  
 نامشخص خود با خود و سر کردن مرز بین  
 کل و جزا ارتباط دیاکتیکی بین ما هم  
 کمونیسم و حزب کمونیست را درهم بریزد.  
 با چنین شیوه های تنهایی میشود به جوجه  
 اثباتی و فرضیات و ایدئالهای از پیش  
 ساخت خود اعتبار مطلق بخشید. یعنی  
 همان شیوه های که سهند برای اثبات -  
 فرضیات خویش بکاربرد ما است! مجرد را  
 بجای مشخص نشان دادن، شیوه نامتناهی  
 ای نیست. متافیزیک که از جانب نویسندگان  
 سهند سخت مورد نکوهش قرار گرفته  
 است در این زمینه طولانی دارد.  
 متافیزیک با این شیوه مستدل قرنهای  
 متادری جهان فلسفه حکومت کرده -  
 است. اگر چه یگانه فرضیات و اما  
 سهند "گوشه های" هم تا به ارتباط صحت  
 آن با متافیزیک بزرگترین ایدئالیستهای  
 تاریخ می بپردازد. سهند میگوید:



سبک کارگروهی که در این باره ۲۹

"حزب کمونیست چیز نوپس نیست ،  
۰۰۰ کمونیست خود یک گرایش شخصی  
و جا افتاد در جنبش طبقه کارگر جهانی  
است ۰۰۰ کبارها با بخشهای مختلف  
جنبش جهانی کارگران پیوند یافته "ونیا  
- ید "مدام با آن پیوند بخورد و در هر  
کشور هر روز از پیوند بخورد "بعبارت  
دیگر سهند برای ادماست که حزب  
کمونیست نیازی به پیوند با طبقه کارگر  
ندارد زیرا کمونیسم از مدت ها پیش با جنبش  
طبقه کارگر جهانی پیوند خود ماست ،  
زیرا حزب کمونیست بعنوان "کمونیسم  
متشکل" خود بخود در این پیوند  
دارد گرفتار است! پس سهند دالی "در  
غیر از الزامات خود با دولت جاری و  
حاکمیت سهند و ادماست که کمونیسم  
در این باره هیچ چیز از احکامات  
کمونیسم با پیوند خورد ادماست که  
کمونیست کمونیسم برای ادماست که  
ادماست که کمونیست نیز اجازت است  
و تیرین ندارد که ادماست که پیوند بخورد و  
هر روز در پیوند بخورد ، جنبش  
تابع کل است ، کل پیوند خورد سپس  
جز جبراً پیوند حاصل کرد ماست این

استدلال آنرا همان منطبق سقراطی  
است ، "انسانها با هوشند ، حسین  
انسان است ، پس حسین با هوش است"  
کمونیسم با جنبش طبقه کارگر جهان پیوند  
خورد ، سهند کمونیست است !! پس  
"سهند با جنبش طبقه کارگر پیوند دارد!  
جالب توجه است که دشمنان سهند  
خورد متافیزیک و مخالفان پرویا قرص  
ادراک اکثری نیستی ، خویشاوند سقراط  
از کارد رمیاً پند و روی متافیزیسین های  
فرون وسطا را سفید میکنند "سهند"  
پشویه کلاما کانیستی ارتباط بین جز  
و کل و مجرد و مشخص را مخدوش کرد هود  
- اما زکل به جز و از جز به کل میرد "سهند"  
آنچه ادماست که به حزب کمونیست به تازگی  
باز سید مشخص و ویژه جنبش طبقه  
کارگر بیاورد بر سر پنداد که کمونیسم  
دیگر از ادماست که سهند را پیوست  
و با ادماست که سهند را پیوست  
میزند ، آرمان و شعار او را سر میزنند  
و آنجا ادماست که سهند را پیوست  
شود و سهند را در طرح الحی خود ارائه  
دهد ، از ویژگی چپ ایوان دم میزند و  
نسخه مشخص می پیچد ، تعریف کمونیسم  
بجای تعریف حزب و مشخصات حزب بجای



سنگ و کومدله ۲۰۰۰۰۰ از متحدین  
 خصوصیات کمونیسم گذاشته میشود. در  
 تعریف سه بند خطب جهان، مسوول  
 کمونیسم به اساس وجود و وظایف است تا  
 مدای حزب کمونیست ایران را فراهم  
 کرده است.

اما ضرورت نیستی سه بند اگر برای تشکیل  
 حزب کمونیست و برای طبقه کارگر ایران  
 کارآری نداشته باشد، الحاق خود  
 شورسین های در همان دست سه بند  
 را با اهداف و نیات واقعی شان رسانده  
 است. سه بند پیوند تاریخی  
 " کمونیسم " با جنبش طبقه کارگر جهانی  
 را بجا پیوند سوسیالیسم علمی و طبقه  
 کارگر ایران گذاشته است تا بدون نیاز  
 به سازماندهی جنبش طبقه کارگر و پیوند  
 استوار با آن حزب کمونیست مورد نظر  
 خود را بحد کمونسم برساند. همآسمان  
 و ریسمان ها، همه ملی دوشیها و همه  
 پشتت و ارها برای اینست که از طرح  
 مشخص ضروریات و ملزومات و پیش شرطها  
 ... ی اساسی در امر تشکیل حزب طفره  
 برود. همه فسطه ها برای اینست  
 که بخوانند همان ذوق زد بخود حالی  
 کند که هیچ نیازی به ارتباط تنگاتنگ  
 بین حزب و طبقه وجود ندارد و مطلقاً

احتیاجی به پیوند با طبقه نیست و نیازی  
 به دستورش نفوذ بین صفوف پرولناریا و ...  
 وجود ندارد.

در حالیکه چنین گفت:  
 " ما باید سوسیالیسم مارکسیستی را  
 از این درختان روسیترینه درآید تا است  
 و با جنبش کارگری روسیدرین در جدایی  
 ناپذیر پیوند بگیرد و زخم و بین جنبش  
 انقلابی روسی و خویش خود بخودی بوده  
 - های خلق پیوند برقرار کنیم. تتبی  
 زمانی که بین آمیزش تحقق یابد، حزب  
 کارگری سوسیال دمکرات میتواند در  
 روسیه تشکیل شود."

لنین طرح پیاپیتهای تحریریه ایستراوار  
 - یا مجموعه آثار جلد ۴ (تائید از ما است)  
 لنین باز در همین مورد تأکید میورد:  
 در همه کشورها در طی دوره همین بیشتر  
 کارگری و سوسیالیسم جدید از هم جریان ...  
 داسته و سرید را محدود راه میبندند ...  
 در همه کشورها تتبی آمیزش سوسیالیسم  
 و جنبش کارگری سالود محکمی برای هر  
 دور آنها فراهم آمد است."

لنین سرمایه شمار اول ایسکرا ۱۹۰۰  
 تائیدها از ما است.

از نظر سه بند هر گروه و محفلی که خود را  
 کمونیست بداند میتواند اعلام حزب کند



حالا میخواهد با جنبش طبقه کارگر ایران ارتباط برپا کند و این است که باید داشته باشد - باشد، مبارزه طبقه کارگر را رهبری کند یا نکند. در میان صفوف میلیونی پرولتاریا نفوذ داشته باشد یا نداشته باشد.

دقیق از همین دیدگاه است که قرار است و نزدیک پرولتاریا میسرند با روزهایی که حزب تودا خود را نشان میدهد، پیونده میخورد یک گرايش را منعکس میکند و جوهر واقعی خود را نشان میدهد.

حزب تودا مبتلا به يك جریان روزیونیستی هیچگاه در حرف از اهمیت رهبری پرولتاری نمی گاهد و نقش آنرا در وضعیت جنبش تودا های آنرا نمی کند. حزب تودا نیزها نند پرولتاریتهای امروزی را برای آنکه است که با جهانی شدن جوهر زندگی پیوند تاریخی عوسیا لیسم واقعاً وجود با طبقه کارگر جهانی است. روزیونی پرولتاریا به صورت خود پیروی و نیز مستقیماً اصل پیروی نیست بلکه برای بنا نهادن روزیونی مستقیم پرولتاریا در انقلاب - در مکتب وجود نداشته و هر گونه جهت کردن از رهبری مستقیم پرولتاریا، یک امر خود کانونی و گاهی گاهی نیز میسر کونیستی است. برای این اساس از نظر حزب تودا کونیسم در یک کشور مشخص

بدون پیوند با جنبش طبقه کارگر اصلاح میگرد و هر جریان عقلی حزب تودا - میتواند خود را حزب کونیست بنا نهاد آن هم حزب طراز نوین طبقه کارگر. چنین حزبی میتواند با طبقه کارگر تماس داشته باشد، یا نداشته باشد، مبارزات توده های پرولتاری را رهبری کند یا نکند بخشهای وسیعی از نیروهای تاریکی را متشکل کرده باشد یا نکرد باشد.

سهنت نیز میگوید چون "کونیسم" با طبقه کارگر جهانی پیوند تاریخی برقرار کرده است پس نیازی به پیوند با طبقه کارگر کشور کشور مشخص بانی نمیداند، پس هر متشکل سیاسی که "اهداف و شیوه های کونیستی" را "پنجمی" ادا کند، "اتحاد" کند جنبش کونیست است.

حزب تودا با جهانی شدن عوسیا لیسم ضرورت روزیونی پرولتاریا را نانی میکند. سهنت با جهانی شدن کونیسم (عوسیا لیسم) ضرورت پرولتاری شدن حزب را - حزب تودا با جهانی شدن عوسیا لیسم و سهنت با جهانی شدن کونیسم هر دو پیوند کونیسم با طبقه کارگر کشور مشخص ضرورت متشکل مستقل طبقه کارگر را نفی میکنند، هر دو حزب کونیست را به متشکل ظاهر و پسر و خلاصه میکنند.





این است که خود مدعی پروانرا از زبان و  
بر زبان آورد و آنرا بازجویی بخواند و  
عقود دهد که در دادگاه و همچنین  
برای اطمینان است که خود را در  
حزب کمونیست ایران جایز بداند  
این است که از آنجا که طبقات را برانداختیم

پار و تفکیرت را بدید  
"مهرنگ" بزبان خود داد و خوانندگان  
خود را میخواندند و آنان را پند میزدند  
دانستند که خود را فقط بدست یک نفر  
بچه افکار افکندند و اینکه برای بازارگرسی  
توسل به آنرا پسری و در روز پرن ازی و تحریر  
پنجاهم میخواندند "سهند کرفتار" به گناه  
سازمان کوریکهای فدائی خلق ایران  
چنین میگوید:

"نام کمونیسم مطرح میشود. این ایده  
هویت داری که کمونیسم جریانی جدا از  
طبقه کارگر است که ما را جدا بد آن پیوند  
بخورد، فکرم میزند... حال آنکه  
کمونیسم طی ریشه پیوند تاریخی کبارها با  
پخششهای مختلف جنبش جهانی کارگران  
یافت است...

بحری موسیالیسم شماره ۵

تاکید از ما است

آخرین باین همه صداقت و شجاعت  
در تعریف کاری و دروغ خردازی!

انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها

انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها

انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها

انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها  
انگیزه های بیخبرانه طاقچه ها

پروانری در کارگران است

(انمن در چهار یاد کرد؟ تاکید از انمن)  
اگر همه مقد به جنبشهای حزب بود برای



سک کارکوئمه ۵۵۵۵۵ از صفحه ۲۳  
 "سهند" برای موجه جلوه دادن این تحریفات حتی حاضر است سر خود ترا هم دلاهِ بگذارد و حتی حاضر است بخودش هم دروغ بگوید و میخ خودش را هم باز کند!

اولاً ما در تمام طول حیات سازمان هیچ کجا و در هیچک از نشریات سازمان —  
 نکته ای که "کونیسیم" جریان ترا از طبقه کارگر است که تا زمان یاد آن پیوند بخورد و هر روز رهبر کشور از نو پیوند بخورد مانده تنها نگذاشته ایم بلکه در عمل نیز همیشه و همراه با این دغدغه ساخت مبارزه کرده ایم و ما همیشه و همواره از ضرورت پیوند سوسیالیسم علمی با جنبش طبقه کارگر ایران صحبت کرده ایم و ما همیشه با این مسئله های فشرده با هم روی میگذاریم که هیچ حزب کونیستی بدون پیوند ارادگانیک با طبقه کارگر، حزب کونیست به مفهوم واقعی نیست و ما همواره بر این اعتقاد بودیم و هستیم که حزب کونیست بمثابه پیمانها که طبقه کارگر، مظهر آنهاست این طبقه را برای اعمال دینت توری —  
 پرولتاریا است و حزب کونیست بخش آگاه طبقه کارگر است که باید با جنبش

طبقه کارگر و پرولتاریای آگاه پیوند قطعی و لاینفک داشته باشد و از نظر ما حزب کونیست فقط "کونیسیم" مثل نیست حزب کونیست فقط عالیترین شکل تشکیلات پرولتاریا نیست (البته سهند حتی با این تعریف هم اعتقادی ندارد) بلکه "در عین حال بزاری است در دست پرولتاریا برای بدست آوردن دینکت توری در موقعی که هنوز این دینکت توری بدست نیامده است و برای تحنیم و توسعه آن در فوئع میهد دست آمد ما است" استالین —  
 اصول لنینیسم ترجمه فارسی صفحه ۱۲۷ تا کید از خودش •  
 کسانی که با این خصوصیت مهم و اساسی حزب کونیست نمی اندیشند علاوه بر دینکت توری پرولتاریا و حادیت طبقه کارگر نمیتوانند اعتقاد داشته باشند چرا که بدسهند که به حزب کونیست حتی بمثابه عالیترین شکل سازمان طبقه کارگر پرولتاریایی اعتقاد است و حزب کونیست سهند متعجبترین و مرده ترین ولایت پیوسته ترین حزب کونیست دنیا است و حزب سهند و حزب سوسیال دینکرات اروپای اوایل قرن نوزدهم است و حزب سهند حزب کونیست عصر ما نیست کونیست و تجریبات قبل از کمون پاریس است و حزب



سک کارکو مدلد ۰۰۰۰۰  
از صفحه ۳۴

واعمال دینتائوری پرولتاریا، از همیت رو  
اولین و معتبرترین وظیفه میساست همتان کمون-  
نیست، مسئله نمودن صبقه کارشرد ب  
همهذ حائرا نعب، ایباد پیوند با جنبش  
لارتری جهانی وحدت مستحکم با جنبش  
- هان رمانی بنشر پرولتاریای پیروز-  
مند جهان است. فقط چنین حزبی -  
میتواند، بپوزواری رانا بود سازد و قدر  
سیاسی را ب- ست لیدر، در چنین دورا  
- نی کمونیسما از حالت ین کرایس خارج  
سد هوی صورت یت جنبش واقعی درآمده  
و یت نیروی مادی، بیک نیروی محرک  
تاریخی تبدیل سد هاست. نیروی -  
عظیمی که بازار خود را یافته، میتواند  
نظامهای کون جمهوری را درهم بشکند  
و نظام نوین سوسیالیستی را برقرار سازد و  
دینتائوری پرولتاریا را اعلان کند. -  
آنان که این خصیلت اساسی را از حزب  
سلب میکنند، آنان له ضرورت پیوند -  
طبقه کارگریا حزب کنقشرا ین ابزار را بازی  
مینند. را با اعتبار پیوند حزب کمونیست  
با کمونیسیم جهانی را اعتبار پیوند کمونیسیم  
با طبقه کارگر جهانی مخذوس میکنند -  
قدرت حزب رانفی میکنند ابزار پرولتاریا  
را از آن میکورند. آنان که کظم رهائی -  
پرولتاریا را بجای خود پرولتاریا، تجلی ارا

سهند، حزب اپوزیسیون افراطی مابهل  
عصر انقلابات پرولتاری است. حزب -  
عصری است که مارکسیسم هنوز در ح-  
یک کرایش بود، عصری که مارکسیسم هنوز  
در عرصه توریک مطرح بود، حزب سهند  
حزب دوران است که پرولتاریا هنوز سه  
متابه یک قدرت واقعی و یت تشکل آگاه -  
طبقاتی برای سرنگونی سرمایه داری -  
محو سرمایه لیسم و تصرف قدرت سیاسی  
پا بهر صحنه برد ننداشته بود. حزب سهند  
دوران تجهبیز قوا حزب شرایطی است که  
بازر طبقه کارگر از لشکال پارلمانی مبارزه  
پافرا ترنگد انشکود، حزب سهند، -  
"حزب تودما بران" است. پیهوده -  
نیست که دیدگاه نویسنندگان سهند طبقه  
لارگرتا ین درجه هم پیروی بها میشود.  
پیهوده نیست که سهند برای تبدیل  
حزب به تشکل محفل هشتی عناصر  
روشن فکر و خشی از تولید کنندگان خرد -  
التقا میکنند.

حزب کمونیست ین دوران، حزب طراز  
نوبن لنینی است، حزب کمونیست عصر  
امریالیسم و عصر انقلابات پرولتاری است،  
ابزاری است برای کسب قدرت سیاسی



سهند برای بجا بردن خوانندگانش به تافص آشنا بی گرفتار آمد تا ست ۰ از یک سو برای استحکام استدلال میخواهند بلوید کمونیسم با جنبش طبقه کارگر جهانی پیوند خورد خود یکر نیازی با این پیوند نیست و از سوی دیگر خود با این پیوند اعتقاد ندارد ۰ سهند این تافص را با بدار بردن یک واژه محل میکند ۰ چرا که عرصه، هر صعبا رز طبقه کارگر نیست، عرصه، عرصه روشنفکری است و استفاده از یک واژه منا قابل یکسوی و چیزی لهضم نمیزند ۰ سهند ما را متهم میکند که آن پیوند تاریخی کمونیسم با جنبش کارگری جهانی درک - متافیزیکی داریم ۰ این امر مسلم تاریخی را نادیده میگیریم ۰ این روند را بسته می بینیم و لذت اصرار میکنیم این پیوند "هر پارو در هر کشور" از نو برقرار کرد ۰ اما وقتی خود میخواهد پیوند تاریخی کمونیسم با جنبش کارگری جهانی را توضیح دهد ۰ دچار این تافص میشود ۰ تافص عجیب و غریبی که برای رساندن آن جز نفی کامل استدلال پیشین خود پارهای ندارد ۰ بینه برای لحظاتی تحریفات سهند را بپذیریم و قبول کنیم که کل، جز را توضیح میدهند تا بی معنی این تافصات ببریم ۰ سهند هر بار روگردان که پیوند

سک کارگرمه ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ ۰ از مدتی - د پرولتاریا و "تشکیله کمونیسم را بجای تشکیله طبقه کارگر مینمایند ۰ هیچ اعتقادی جزئی اعتقادی به طبقه کارگر ندارند ۰ آثار که به حزب کمونیست بمثابه ابزار عمل پرولتاریا برای اعمال دیکتاتوری آن نمواند باشد ۰ هیچ هدفی جز مناعت بر سر راه دیکتاتوری پرولتاریا ندارند ۰ آنان که مثل سهند می اندیشند جز هراس از دیکتاتوری پرولتاریا، جز ترس از انقلاب - پرولتاری و جز ترس از تشکیله و قدرت - پرولتاریا چیزی را نشان نمیدهند، و لرنه هیچ نیازی با این همه تحریف و دروغ نمی - دیدند ۰ ما برخلاف شوریه پردازان سهند بر این اعتقاد بودیم که کمونیسم هدف تهاست با جنبش طبقه کارگر جهانی پیوند خورده است و این پیوند امروزه نیز جنگلی و امعی خود سازد رجا رز پرولتاریای جهانی، جنبش های رهایی بخش و شورهای - سوسیالیستی علیه سرمایه داری جهانی نشان داد و همچنان، بدون کسوت و در روند تاملی، مستحکم و پایداری پیش میرود ۰ این پیوند برخلاف آنچه سهند میگوید "بار"، "بار"، "بار" برید و مطلق نیست ۰



تاریخی را تشریح میکنند میگوید :

«کمونیسم تاریخی دارد و این تاریخ پارها موجود است کمونیسم را بشناسید»

جریانی متعلق به رولتاریا بشبوت رسانند است . . . کونیه پمنا به یک گرایش . . . و پمنا به یک جنبش واقعی و مشخص پارها خود مستقیماً کارگران را در صفوف میلیونی شان مشتعل کرده . . . پارها با بخشهای مختلف جنبش جهانی کارگری پیوند تاریخی یافته است . همه تاکید ها از ما است .

حکمی که باید فرضیه متافیزیکی اندیشیدن فدائیان را اثبات کند ، با منافع هستند در تضاد قرار میگیرد و خود را خاند پارها فرضیه فکری سقوط میکنند . پارها کسب بارود در هر سه تعریف تکرار میشود ، پیوند تاریخی ، مقطعی ، گسسته و «بار» ، «بار» تبدیل میکند .

این وقایع و حوادث تاریخی است که حادث میشوند پارها حادث میشوند ضرورت های تکاملی که آغاز دارند و پایدانی پس با یافتاری فدائیان درست است و با این استدلال هستند خطا و اشتبا اما میرا از نظر منطق استدلالی نیز

معمولاً آن چیزی با پارها تکرار شود که بارها اتفاق افتاده است . . . کسل حرکت یک پیرو سه استفاده از . . . پارها با ایدانمترها در تعارض است . . . از دست دادن فیاضها اتفاق می افتد . . . تا از دست می باشد چون لا اقل خود نیست . . . گان هستند میدانند که این پارها جهان را از میان می برد لالی آنها را از دست کرد . . . و تمام ساختمان فکری شان را در ریخته است . اما از آنچه که مسئله بر سر افتراق است و نه تجزیه و تحلیل علمی . . . وقتی این استدلال آیند هستند را . . . خراب میکنند و با یواسا می انترناسیونال . . . پارها را با آب میدهد . . . مجبور میشود پشتکار بریزد با خودش مخالفت کند و از تحقیق روند تکامل . . . تاریخی عقب بماند . از همین نظر است که در نظر هستند «کمونیسم» پمنا به یک اید صغود بخودی یک اندیشا انتزاعی و یک گرایش منقطع و مستقل از مناسبات تاریخی و رولتاریا می باشد . . . پارها است که هستند مجبور میشوند وقتی از «کمونیسم» و پیوند تاریخی «کمونیسم» صحبت کند آنرا بعد و شق و ذرا و تقاطع از هم منقسم نماید و میگوید



انترناسیونال نوین کمونیستی با مشارکت  
 میهنند و کمونیسم را در جهان و یک سری از  
 دارد و معنای ترسناک است جهانی  
 لغت و پیش از هر چیز است که برای این  
 طبقه جبری های پوزیوایی و خود  
 پوزیوایی غلط بطلان کنند تا است  
 کمونیسم آرمان پوزیوایی جهانی است  
 گرا پس مشخص "جائزاد های" است  
 کند روند تکاملی تاریخ به جنبش طبقه  
 گرا که جهانی پیوند خود به آن رشد  
 کرد و امروزه فقط بعنوان یک گرا پیش  
 مشخص بلکه به یک واقعیت با زبان  
 مثل معنی یافت است کمونیسم مانند  
 هر چه بد تا جغرافیای دیگر رشد پیوسته و  
 تکامل خویش را می بیند امروز هر کسی  
 از کمونیسم بعنوان یک گرا پیش صرف سخن  
 میگوید جز تحریف کامل این واقعیت  
 تصوری نمیتواند داشته باشد  
 کمونیسم تنها به یک گرا پیش تعیین یافته  
 در جنبش طبقه گرا که جهانی در این روزها  
 ساختار سوسیالیسم بسیاری از کشورها  
 سوسیالیست جهان استقرار داشته  
 و نیز همچنان استقرار دارد  
 نمیشود در این حال به کمونیسم بعنوان

سبک کار و کمونیسم از صفحه ۲۷  
 "کمونیسم اول در حداید و پراگمات  
 کلی آن با تالیلات کربن و حق رنجبران  
 بد رطل تاریخ ۰۰۰ سازگاری -  
 دارد و با نیازها به یک جنبش مشخص  
 واقعی و سیاسی ۰۰۰ پارهها با بخشهای  
 مختلف جنبش جهانی گراگران (پیوند  
 تاریخی) یافت است تا که از است  
 از نظر میهنند "کمونیسم" تنها به ایدهها  
 و گرایشات کلی "جائزاد های" دارد و به  
 مطابق یک جنبش مشخص واقعی و سیاسی  
 جائزاد های دیگر در این حرکت  
 مستقر و ادامه دار است و با ورود و مسی  
 منقطع و باره ایاره اگر حتی این تقسیم  
 مکانیکی را همد رست بد اینم، پلافاطه  
 این سوال مطرح میشود که آیا این گرا پیش  
 بعنوان جنبش واقعی و مشخص تنها به  
 یارد یکریا جنبش طبقه گرا که پیوند بخورد ؟  
 میهنند قطعاً پاسخ خواهد داد (چرا ؟)  
 حتماً باید پیوند بخورد و متجانسه در  
 ارتباط با جزیب کمونیست و طبقه گرا که  
 ایران بلکه در همین الطل و تاسیسی

۵- اگر مارکسیسم هنوز یک گرا پیش کلی را بد تا نتوانی است که "جائزاد های"  
 معنی ندارد، اگر جائزاد تا است که یکریا گرا پیش صرف و کلی نیست



پایه گرایش با انقاد سرک جنبش شخصی  
 واقع و سایر متعهد بود در این حال  
 موجود است و این گونه مورد است  
 طری را در برودند باید در میان این  
 نمی کرد - در صورت عجز باید از این  
 نوسا چینی طبقه کارگر جوانی را قبول  
 داشت و هم آنرا در حد و اندازه  
 واقع تا گمانی خلاص کرد - چنانچه  
 نگرانی معاصران به خاطر گرایش غیردینوی  
 است - این است که در این گونه  
 به گمانی است که در این سراید به  
 جان ایجاد و در این وقت طریقی  
 طبقه کارگر برسد و در این  
 طبقه این وقت در این اقتصاد  
 بواسطه این زمان است که چون  
 بتوان با میان هوا را در یک  
 این وقت

سبک کار کوماند...

نویسند پس نظر روی از این میباید  
 این گونه سبک کار جادوی است کیست  
 بکار در زمان است که در وقت درخشید  
 بکار در این زمان اول و انقلاب  
 اکثر بکار هم را در این زمان  
 که در این وقت در این وقت  
 است که در این وقت در این وقت  
 این سبک کار از طبقه کارگر جهانی  
 میباید تا این گونه سبک کار  
 طرز است که در این زمان  
 دارند پس هر یک را جز سبک و کوچک  
 این است که در این وقت  
 از راه دارد



حق مطلق در این وقت در این وقت در این وقت



### ایجاد فدائی نسبی، رفیق کبیر حمید اشرف و همزمان

صبح روز هفتم تیرماه، فقط یکسال قبل از آنکه کشتی او این جرعه‌های انقلاب، ضدی "جلا د ساواک" با چکمه رزندان اولین راگشود و خطاب به زندان نمان گفت: "همه چیز تمام شد، آخرین مرد صد هزار توپانی بدام افتاد. حمید اشرف کشته شد. همه زندانیمان را آزاد خواهیم کرد. دیگر زندانی نخواهیم داشت!"

عصر همان روز، روزنامه‌های کبیرالا - انتشار کشور را تیتروهای درشت مردم جهان را از این خبر مطلع کردند. کیهان و اطلاعات برای اولین بار به چاپ پنجمرسیدند. طندی پاسخ خود را گرفت [چاپ پنجم روزنامه‌ها را از جنبش‌هاش کرد] بود. پنج سال مبارزه خونبار به ثمر نشست بود.

فدائی بیک جریان اجتماعی تبدیلس شد بود، گذائی درد ریای توده‌ها جا گرفته بود. فقط آنان که از درک صیق تحولات تاریخی عاجز بودند بعد ها یادید نیروی عظیم سازمان با این "راول" پی بردند دردوران تحولات اجتماعی پیروزه در - هنگام کود و آواش‌های قبل از انقلاب،

با بدبین خواستها، روحیات و نیازهای توده‌ها با آنچه در سطح و ظاهر منعکس میشود، فرق گذاشت. با پد انعکاس روحیات توده‌ها را آنگونه که در واقعیت رخ چنان بد، شناخت تا فرسوق انبوه مردم ایران از شهادت رفیق حمید با زبان - این واقعیت بود. حمید اشرف قهرمان با پداری و مقاومت بود. او طی پنجسال حیات خونین سازمان بارها و بارها فدائی را از نوساخت، تشکیلات را با سازی کرد و هر چه فدائی را سرفراز و بلند در اهتزاز نگذاشت. گاهی میشد که تعداد اعضای سازمان از تعداد انگشتان دست تجاوز نمیکرد، اما او همچون کوه در مقابل دشوار بهایا پستاد و سرسخت و خستگی ناپذیر پیش میرفت. او اهمیت بقای سازمان و ضرورت اداتکاری - تشکیلات کمونیستی را خوب درک کرده بود. معروف است که رفیق حمید بگونه - ای قهرمانانه و معجزانها، شانزده بار توی پلیس را در هم شکست، شجاعای از محاصره گسترده پلیس جان سالم بدورد.

شامبرای سرهنگ از نمان گذاران سازمان صد هزار تومان جایزه تعیین کرد بود.

ولی معجزتای در کار نبود. حمید اشرف





نیاید فدائی شهید حمید اشرف و... هر فراز و نشیب راهشت سر میگذاریم

باید از این همه مقاومت و قهرمانی از این همه سرسختی و شکیبایی، از این همه تجربه در مسای نازهای بگیریم. این - تجربیات برای سازمان بمطابق آنها سازمان کمونیستی که از آغاز نیمه سوم سالهای ۵۰ به یک جریان واقعی و اجتماعی تبدیل شد بود از اهمیت ویژه ای برخوردار است، بخصوص که این تجربیات به بهای سنگین بدست آمده است. ضربات سال ۵۵ و پیامدهای پس از آن تجربیات بسیار پر بار و گرانبها فی برجای گذاشته است، اینکمایا از شکستها نهراسید، باید از شکستها در پیوارهای سخت مقاومت ساخت و باید نقاط قوت را تقویت کرد.

باید سنگرهای پیروزی را تدارک دید باید بطو چشم داشت، باید آینده را دید نه گذشته را. آنان که با هر پیروزی - بالا میآیند و با هر شکست، شکست میشوند. آنان که با هراقت و خیز حرکت تودمائی، با جزوید انقلاب به تزلزل - میافتند و نوسانات خرد میوزوا نشان خود را بنمایش میگذارند، آنان که با هر

اشتیاق مبارزه توده های زحمتکش میهن ما پس از شکست تاریخی ۲۸ مرداد بود، منعکس کنند مقاومت و سرسختی و - پایداری خلقهای ستمکش ایران بود. با زتاب اراده و مبارزه طبقه کارگر ایران علیه استیلای امپریالیسم و ستم سرمایه بود. این قلب توده های مردم، کارگر - ان آگاه و دهقانان رنج دیده میهن ما بود که در تشکیلات فدائی میپیچید. تعهد به این اعتقاد بود که هر کجا پیشاهنگ، ولو پیشاهنگی که در مرحله ابتدائی رشد و تکامل خود است، توده - نسته از ضربه یگزدرد، در درون بعد پس کیفیت و نیروی بیشتری نقش خود را بازی کرده است. ارفیق جزئی، پیشاهنگ و توده.

وضاحت سازمان بخصوص در اوایلین سالهای انقلاب نشانگر این حقیقت و تجسم واقعی، رشادتها، مقاومتها و قهرمانیهای رفقای ما نند حمید اشرف بود. امروزه یک دوران پر تلاطم، طولانی

گرامی باد خاطر و شهدای بخون خفته خلق



## بیاد فدائی شهید حمید اشرف و

برآمد آشکارا انقلاب، انقلاب میسوزند،

با طوفان انقلاب میجوشند و اهر -

تکدمت بخواب میروند، انقلابی ناهای

ترسویی هستند که توج حرکت تلاطم

بخسرا انقلاب محو میسوزند، در حالیکه -

توج خود نظام انقلاب است، و نظم

انقلاب تلاطم تاریخ، لنین در مقابل

چنین افرادی میگوید:

افراد یکه میخواهند انقلابی باشند،

جای بد بختی است اگر فراموش نکنند

هتادی ترین نظرها، در تاریخ همان

نظم انقلاب است.

ضربان سال ۵۰ و انتحارات پسران،

در حقیقت با زبان محدود و بی عمل

سازمان بود و هم در عین سال نشانگر

انعکاس صف بند پهلوان طبقه کارخانه

در درون یک سازمان پرنفوذ توده ای.

شهادت ترفیق حمید و یگر فتای رهبری

سازمان را در مقابل یک تحرك عمل و فکری

بهاشکال پیچیده تر حرکت قرارداد.

آنچه پیش از همه در درجه اول قابل بر

- سی است، اینست که از یک سو جامعه

آهسته تحولاتی عظیم بود، تضاد های

اجتماعی با وجود شدت خود رسیده بود و

از سوی د یوسازمان بیک جریان وسیع

اجتماعی تبدیل شد، بود ۵۰ میا بستند

با سخوی نیازهای این مرحله از جنبش

میبود و متناسب با نقش و موقعیتی که

پیدا کرده بود، وظایف اساسی خود را

بجهد و میگرفت، اما تنگنای خط و

مشی، و استراتژی و تاکتیک، قدرت حرکت

و فعالیت سازمان را محدود میکرد.

هنوز امر تدارک سیاسی انقلاب و آمادگی

ذهنی نیروی رهبری کنند به انجام -

نرسیده بود، جنبش و وظایف جدیدی در

مقابل پیشا هتک قرارداد داده بود.

شکستگی و پرورد و جریان انحرافی -

آنا رسیستس و رفرمیستی، در درون سازمان

بیان عطی، این نقطه تلاش بود، اولی

از شناخت شرایط جدید و تعیین وظایف -

بسیفجدید و اجزایند، و همچنان بسر

وظایف قدیم پای میفشرد و می در هراس

از تحولات جدید و ترس از دامن انقلاب

سازشکاری، با سیفیم و فعال رادامی

میزد، گرا پیش انقلابی، میا پید در تعیین

تکلیف قطعی با این نظم در زبان خرده -

پورز و منشر به سازماندهی انقلاب -

میرد اخت و تسلیلات نوین را بر اساس

یک خط و برنامه نوین سازماندهی میکرد.

گرا پیش انقلابی، بر حل قطعی مسائل -



در این راه‌نویس کام‌گذاشت است .  
 امروز دیگر همه ما روشن است که نیروی  
 ایمن ، شهر و شوق انقلابی و روحه —  
 شهرمانی هر چند برای تقویت و یابجائی  
 سازمان انقلابی طبقه کارگر بسیار و بسیار  
 ضروری است اما کافی نیست ، حزب پر  
 رولتاریا ، سازمان و تشکیلات پرولتاریا ؛  
 با بد تلاوه بر این ، خط و مشی صحیح  
 و منطبق بر واقعیات جامعه ، خط و مشی  
 روشن و استرتری واقعی دست یافته  
 باشد . امروز این مسئله پیش از همیشه  
 بزرگ رهنمود عملی در جنبش تبدیل شد  
 است که بدون تشریح انقلابی ، جنبش  
 انقلابی به پیروزی نخواهد رسید .

## کمکهای مالی دریافت شده

هواداران شمال ۰۰۰۰۰ ریال  
 شهید کاظم ۰۰۰۰۰ ریال  
 بدون کُند ۰۰۰۰۰ ریال  
 زنجیر طلا ، ۲ رشته  
 دربانگه شهید اسخندر ۱۲۰۰۰ ریال

سازمان را چرخش به نظرات و خط فکری  
 رفیق بیژن میدید ، اما همانگونه که خود  
 رفیق بیژن میگوید ، اساس نظری و برنا  
 — معای اوکلی ترازان بود که بتواند  
 پاسخگوی نیازی عملی جنبش قرار گیرد و  
 مبنای استراتژی و تاکتیک پرولتاریای  
 انقلابی ایران باشد . ظل درک این  
 مسئله گرایش انقلابی را بهرگاهما تیسیم  
 و دنباله‌روی از حوادث سوق داد .  
 هنوز راه‌رازی در پیش بود . امروز که  
 پنجساله و ما از این ضربات راپشت سر  
 میگذاریم ، تحولات عظیمی هم در جامعه  
 و هم در درون سازمان بوجود پیوسته است  
 نفوذ گرایشات انحرافی و فراکسیونهای  
 خرده‌بورژوازی ، انشعاب قطعی و عملی  
 خود را از جنبش طبقه کارگر با نجام رسانده  
 از درون سازمان زدوده شده و راه —  
 خیانت به طبقه کارگر در پیش گرفتند .  
 گرایش انقلابی طی یک نبرد ایدئولوژیک  
 بی‌امان ، بر اصرار فراز ، را کمونیسم  
 راه‌حزب طبقه کارگر کام‌نهاد ما است .  
 سازمان با تصفیه همه و هرگونه گرایش  
 خرده‌بورژوازی منشا نه ، پیگیر و سرسخت

با کمکهای مالی خود ، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران وادرا امر انقلاب باری رسانید!



## سبب کار کومه له برای تشکیل حزب کمونیست! (۲)

"طبقه کارگر در مبارزه خود علیه قدرت متحد طبقات نرومنند تنها هنگامی  
میتواند به عنوان یک طبقه فعال عمل کند، که حزب سیاسی خاصی در مقابل  
کلیه احزاب کهنه متشکل توسط طبقات نرومنند قرارداد دارد، تشکیل دهد"  
(مارکس و انگلس تطبیقا به کنفرانس عمومی انجمن کارگران انترناسیونالیستی)

شده و با سفینگی کودکانی عزم را سح  
دارد. بنا و ها م و اید آلهای روشنگر  
اندو بی محتوای اس محافل حامد عمل  
بیونانده کومه له همان خود را در  
مقابل حنا بی سداست و سخواهند  
بدا بد که بیست همدا س خطا های آتس  
و تطبی و خطا سدهای سر طمطرا ی اند  
سدهای بورژواشی و راست رواندای  
نهفند است که تحت نام انقلاب سگری  
سرولنا ریاشی، سما ی واقعی خود را  
بستان مبارزه، ایورتونسم سیاسی  
که مدتها بود در لیا س کهنه و مندرس حزب  
نوده در حسن طبقه کارگر بصورت آشکار  
اما عدم صفا ف، امروز بدلیا س حدت  
خود را بستان نموده و با القاب س  
آب و نای خود نمائی آغاز کرده است  
در جلد ۲۶

ر کفتار و پیشین با س مسئله انا ره کرد -  
م که "کومه له" بدون نوحه سدا مول -  
سای مارکسم و بدون نوحه سدا سانی  
خینسم در امر تشکیل حزب و تجربیات  
معیق جنین کمونیستی جهان و اسرا ن  
سختکوی محافل آکادمیک تبدیل

**برنامه عمل**  
**سازمان هر یکهای**  
**فدایی خلق ایران را**  
**بخوانید!**

۱۷۰ شماره

بنا ۵۰ ریال

مرکون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دیمکراتیک خلق